

ما از عدالت سهمی داریم سازمان حقوق بشر ایران

سال ششم شماره ۱۳۸

۱۰ دی ۱۳۹۹ / ۳۰ دسامبر ۲۰۲۰

حقوق ما

زنان، خشونت و سرنوشت یک لایحه



در این شماره می‌خوانید:

* ده سال انتظار برای هیچ؛ نگاهی به لایحه منع خشونت علیه زنان

* تا زمانی که قوانین ضد زن وجود داشته باشند، مبارزه لازم است

* آسیه آریانفر: لایحه صیانت از بانوان، تکرار مکررات

* هفت نکته درباره لایحه دولت روحانی برای مبارزه با خشونت علیه زنان

* «لایحه صیانت، کرامت و تأمین امنیت بانوان در مقابل خشونت»

* کلیپ «خنده‌دار» کتک خوردن مرد از زن غیرتی

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سر دبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: شهرزاد کریمی، سروناز رستگار، نیره انصاری، علی‌اصغر فریدی و بهنام دارایی‌زاده.

نویسنده میهمان: بهروز جاوید تهرانی

صفحه بندی: ماهور خوش‌قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است!

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست.

ده سال انتظار برای هیچ؛ نگاهی به لایحه منع خشونت علیه زنان

سروناز رستگار

ده سال پس از تدوین اولین پیش نویس لایحه منع خشونت علیه زنان، بار دیگر این لایحه به تصویب هیات دولت حسن روحانی رسید. اما آیا انتظار زنان ایرانی از ده سال انتظار برآورده شده است؟

مهرانگیز کار می‌گوید: «نه»

تدوین لایحه «تأمین امنیت زنان علیه خشونت» از دولت دهم شروع شد، اما در انگیزه اولیه آن دو نظر متفاوت وجود دارد. برخی می‌گویند پیش زمینه اصلی آن به اوائل دهه ۸۰ در دولت اصلاحات برمی‌گردد. زمانی که پرونده خشونت علیه زنان در «مرکز امور مشارکت زنان» تشکیل شد. این مرکز با همکاری برخی دیگر از نهادهای دولتی، مجموعه پیمایش‌های اجتماعی با موضوع خشونت علیه زنان در ۲۸ استان کشور انجام داد. نتیجه این پروژه طولانی چندین‌ساله ۳۲ جلد کتاب بود که همه نسخه‌های این [پژوهش مرجع](#)^۱ در دولت احمدی‌نژاد از بین رفت.

از سوی دیگر پوران ولویون قاضی دیوان عالی کشور و مشاور وزیر دادگستری در امور زنان و خانواده می‌گوید نخستین زمزمه‌های تدوین این لایحه در دیدار اعضای قوه قضاییه با آیت‌الله خامنه‌ای مطرح شده است. پوران ولویون می‌گوید:^۲

1. <https://bit.ly/3bQpAnU>
2. <https://bit.ly/3bM1PgA>

«نظر مقام معظم رهبری این بود که به زنان در حوزه داخلی خانواده «ستم» می‌شود و مورد بی حرمتی قرار می‌گیرند و از نظر اینکه شاهد داشته باشند و یا مسائل دادرسی، قضایی و حقوقی مدرکی هم ندارند و باید قوانینی تصویب شود که ضمانت اجرایی داشته باشد.»

تأمین امنیت زنان در برابر خشونت»

طرح اولیه پیش نویس لایحه تحت عنوان «تأمین امنیت زنان در برابر خشونت»، به وسیله «مرکز امور زنان و خانواده» ریاست جمهوری دولت دهم در سال ۱۳۹۰ تدوین شد. این لایحه ۹۳ ماده داشت. این لایحه سال ۹۱ به کمیسیون لوایح دولت دهم ارسال شد اما کمیسیون لوایح به دلیل ماهیت قضایی بخش‌هایی از این لایحه، آن را مسترد کرد.

مردادماه ۹۲ لایحه به معاونت زنان و خانواده دولت یازدهم بازگشت و این معاونت به مدیریت شهیندخت مولاوردی، به دلیل تغییر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲؛ تغییر آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و آنچه «رویکرد دولت یازدهم در تطبیق با شاخص‌های توسعه و کنوانسیون‌های بین‌المللی» نامیده شد، لایحه را تغییر داد. ایجاد این تغییرات سه سال زمان برد و اسفند ۱۳۹۵ متن لایحه در معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری در دولت یازدهم با ۹۲ ماده نهایی شد و اردیبهشت ۹۶ لایحه از معاونت زنان و خانواده ریاست

جمهوری به دولت و سپس به کمیسیون لوایح فرستاده شد. آذر ۹۶ کمیسیون لوایح به دلیل ماهیت قضایی بخش‌هایی از لایحه آن را به قوه قضاییه فرستاد.

متن نهایی منتشر شده لایحه مصوب دولت، [منتشر شد](#)^۱ و مورد بررسی حقوقدانان و فعالان مسائل زنان قرار گرفت. از جمله نکات مورد توجه در این لایحه، برای اولین بار تعریف خشونت در قوانین جمهوری اسلامی بود.

براساس ماده ۳ این لایحه خشونت جرم بوده، هیچکس حق ندارد در روابط خانوادگی، اماکن خصوصی، عمومی و یا دولتی به قصد آسیب علیه زنان مرتکب آن گردد، در صورت ارتکاب، مطابق احکام این قانون مجازات می‌شود.

ماده ۴ به بررسی مفاهیم و اصطلاحات به کار رفته در این قانون پرداخته بود:

۴-۱- خشونت: هریک از موارد مندرج در بندهای این ماده، که موجب صدمه به شخصیت، جسم، روان و مال زنان می‌گردد:

الف) خشونت جسمی: هرگونه رفتاری که موجب ورود صدمه یا درد و رنج بدنی شده یا به کرامت، سلامت و یا تمامیت جسمی آسیب وارد کند یا مانع رشد و سلامت و یا خطری برای حیات باشد.

ب) خشونت روانی و عاطفی: هرگونه رفتاری که به کرامت، سلامت، رشد یا تمامیت روانی آسیب برساند یا باعث آسیب عاطفی و کاهش عزت نفس شود؛ از قبیل توهین، تحقیر، استهزاء، اعطای لقب نامتعارف، تهدید، انزوای اجباری، تحت نظر گرفتن و یا تعقیب مداوم، تحمیل شرایط روحی و روانی آزار دهنده، کنترل نامتعارف اعمال و رفتار، در معرض مناقشات مکرر یا شدید قرار دادن و یا مجموعه رفتارهایی که موجب احساس عدم امنیت شود.

ج) خشونت جنسی: هرگونه تجاوز، تعرض، آزار، بهره‌کشی یا سوء استفاده جنسی و یا وادار کردن به فعالیت جنسی که برای سلامت جسمی یا روانی فرد مضر باشد.

د) خشونت اقتصادی: هرگونه رفتاری که منجر به محرومیت کلی یا جزیی و یا ممانعت از تصرف در اموال یا ارثیه یا در اشتغال و کسب درآمد در صورت عدم وجود منع قانونی گردد یا منجر به ممنوعیت یا محدودیت در دستیابی به اموال یا

امکاناتی شود که به اعتبار رابطه خانوادگی مستحق برخورداری از آن است، مانند منزل مشترک و نفقه.

ه) بهره‌کشی جنسی: عرضه، بکارگیری، در اختیار گرفتن، وادار یا اجیر نمودن زنان برای فحشاء یا سایر فعالیت‌های تجاری جنسی با اجبار، اخاذی، تقلب، تهدید، تحریک یا سایر شیوه-های غیرقانونی یا وادار کردن زن به فعالیت‌های جنسی.

و) تجاوز جنسی: هرگونه واقعه که با عنف، اجبار، اکراه، اغفال یا تهدید صورت گیرد.

ز) تعرض جنسی: هرگونه رفتار جنسی غیر از واقعه با عنف، اجبار، اکراه، اغفال یا تهدید که مستلزم تماس فیزیکی بین مرتکب و بزه‌دیده باشد. استفاده از اشیاء در برقراری تماس فیزیکی در حکم تعرض جنسی است.

ح) آزار جنسی: هرگونه رفتار جز موارد مندرج در بندهای ۷ و ۸ که بدون رضایت زن، با بهره‌گیری از موضوعات و مضامین مستهجن یا مبتذل نسبت به وی ارتکاب یابد یا با قصد لذت جنسی مرتکب که منتهی به آزار زن شود، صورت پذیرد.

ط) مزاحمت جنسیتی: هرگونه رفتار غیرمتعارف و متفاوت بر اساس جنسیت که توهین نسبت به کرامت زن قلمداد شود.

ی) خودآزاری: شامل اقدام به خودکشی، وارد کردن جراحت و آسیب به خود، سوء مصرف مواد مخدر و روانگردان.

ک) آداب و رسوم ناپسند: شامل مواردی مانند ازدواج اجباری، ازدواج زود هنگام، جرایم ناموسی، قطع برخی اعضا، مبادله زنان برای جبران خسارت یا جلب رضایت یا سایر عرف‌های تحقیرآمیز یا خشونت‌بار نسبت به زنان.

ل) جرایم ناموسی: ارتکاب خشونت علیه زن از سوی اعضای خانواده یا طایفه وی به عنوان اعاده حیثیت یا شرافت به جهت ظن به داشتن رابطه نامشروع، انتشار شایعه در مورد وی، قربانی تجاوز یا تعرض جنسی شدن، ازدواج یا طلاق و مانند اینها.

انتشار متن لایحه مصوب دولت، موجی از واکنش‌ها به دنبال داشت. زهرا آیت‌اللهی فعال اصولگرا، رئیس شورای فرهنگی اجتماعی زنان و از اعضای حقوقی شورای عالی انقلاب فرهنگی، در یادداشتی که در سوم دی ماه ۹۶ در [روزنامه کیهان](#)^۲ منتشر شد، این لایحه را مورد حمله قرار داد.

به نوشته آیت‌اللهی، «این لایحه به نحوی تنظیم شده که

1. <https://mazanan.com/?p=92071>

2. <http://kayhan.ir/fa/news/121939>

حمایت تنها درصدی از زنان که تحت ظلم همسرانشان یا دیگر مردان در خارج از منزل یا در خانواده قرار می‌گیرند را شامل می‌شود؛ اما نتیجه آن همه خانواده‌ها را تهدید می‌کند و مردان را به وحشت می‌اندازد که مبادا هر رفتار و اقدام آنها مصداقی از مصادیق خشونت علیه زنان تلقی شود و در نهایت، به آرامش و روح صمیمیت و یکپارچگی در خانواده آسیب می‌زند و خانه را به معرکه‌ای تبدیل می‌کند برای فرار زنان از مسئولیت‌هایشان و خارج کردن مردان از جایگاه اصلیشان که مدیریت خانواده است.»

وی همچنین پیش‌بینی کرد که «باید به زودی لایحه جامع تأمین امنیت مردان در برابر خشونت، لایحه تأمین امنیت خانواده در برابر خشونت، لایحه جامع تأمین امنیت کودکان، دختران، سالمندان، کارگران و... در صف لوایح قرار گیرند.» آیت‌اللهی در ادامه پیشنهاد داد که «بهترین نوع حمایت از زنان همان‌طور که اسلام هدایت کرده، آن است که حمایت از زنان را به مردان خانواده بسپاریم. پدر، همسر، برادر، پدر بزرگ، پدر همسر و محارمی که قدرت حمایت و دفاع از زن را دارند و دیده‌ایم که هرگاه حکومت، قانون و هر قدرت دیگری مثل فشارهای بین‌المللی و رسانه‌ای به حمایت زنان آمده‌اند، مردان را مقابل زنان قرار داده و به موضع‌گیری و بعضاً انتقام‌جویی وادار کرده است و یا مردان را به فاصله گرفتن از ازدواج و پناه بردن به انحرافات اخلاقی سوق داده است.»

پروانه سلحشوری، نماینده مجلس دهم، در مورد تغییرات اعمال شده بر لایحه از مسیری خارج از قوه قضاییه گفت: «وقتی ما به مجلس آمدیم، گفتند پنج سال از لایحه در دست بررسی است، تغییراتی توسط معاونت امور زنان در آن اعمال

شد و مجدداً به دولت تحویل داده شد تا به مجلس ارسال شود اما لایحه به قوه قضاییه ارجاع می‌شود زیرا موارد جرم انگارانه در آن وجود دارد و باید قوه قضاییه درباره آن نظر بدهد. عید امسال به آقای لاریجانی گفتیم که لایحه تأمین امنیت زنان تنها منتظر امضای برادر شماست، از برادران بخواهید آن را امضا کند تا به مجلس ارسال شود اما هیچ اقدامی انجام نشد. در دیداری که با حجت‌الاسلام اژه‌ای داشتیم نیز درخواست کرد که بنا به ضرورت این لایحه، قوه قضاییه آن را رسیدگی و ارسال کند اما گویا این لایحه هم از قوه قضاییه عبور کرده و در دالان‌هایی دیگر به سر می‌برد، اینکه این دالان‌ها کجا است به ما اطلاع نداده است.»

انسیه خزعلی، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز معتقد بود این لایحه، استقلال قوا را مورد خدشه قرار داده است. همچنین مجازات حبس در آن خیلی بالا رفته که کاملاً مغایر مسائل خانواده و حتی تجارب کشورهای دنیا است و باید رو به مجازات‌های اجتماعی جایگزین بیاوریم.

به گفته خزعلی «مجازات‌های شدید در این لایحه، خانواده را دچار فروپاشی می‌کند و باید به همان قوانین اسلامی بازگردیم و اگر با مسائل جدید مواجهیم، باید کار تحقیق جدی براساس متون برای رفع معضل داشته باشیم.»

«صیانت، کرامت و تأمین امنیت بانوان در برابر خشونت» بالاخره شهریور ۹۸ با روی کار آمدن ریاست جدید قوه قضاییه، ابراهیم رئیسی، لایحه در قالب ۵ فصل و ۷۷ ماده نهایی شد و به دولت ارجاع شد. این لایحه که قبلاً لایحه «تأمین امنیت زنان علیه خشونت» نام گرفته بود، این بار تحت عنوان لایحه

«صیانت، کرامت و تأمین امنیت بانوان در برابر خشونت»^۱ ارائه گردید.

به گفته **محمد مصدق**^۲، معاونت حقوقی قوه قضاییه، این لایحه «پس از بررسی‌های کارشناسی در معاونت‌های ذیربط، در جمع مسئولان عالی و با حضور ریاست قوه قضاییه مورد بررسی قرار گرفته و نهایی شده است. و رویکرد اساسی دستگاه قضا در تدوین این لایحه، حفظ کرامت زن و خانواده و با لحاظ ادبیات حقوق اسلامی، تمین امنیت زن و خانواده و صیانت از آن بوده است.»

غلامحسین اسماعیلی^۳ سخنگوی قوه قضاییه نیز در این باره گفت: «متن این لایحه، یک متن کاملاً بومی، متناسب با فرهنگ ایرانی-اسلامی ما و در راستای تأمین امنیت بانوانی است که خود را به قوانین و مقررات و ارزش‌های دینی پایبند می‌بینند.»

در این لایحه جدید، توضیح دقیق خشونت، حذف شده و به جای آن متن خلاصه شده: هر رفتار عمدی که به جهت جنسیت یا موقعیت آسیب‌پذیر یا نوع رابطه مرتکب، بر زن واقع شود و موجب ورود آسیب یا ضرر به جسم یا روان یا شخصیت، حیثیت و یا حقوق و آزادی‌های قانونی زن گردد در قالب یکی از عناوین جرایم علیه تمامیت جسمانی، جرایم علیه حیثیت معنوی و روانی، جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی، جرایم علیه حقوق و تکالیف خانواده و جرایم علیه آزادی‌های مشروع بانوان مطابق مقررات این قانون رسیدگی

1. <https://bit.ly/2XNlggV>

2. <https://bit.ly/3o1BkGA>

3. <https://bit.ly/3qwBYxf>

می‌شود. جایگزین شد. لایحه ۷۷ ماده‌ای «صیانت، کرامت و تأمین امنیت بانوان در برابر خشونت» بر مواردی مانند ممنوع بودن ازدواج مبادله‌ای و خون بس، برابر بودن دیه بانوان سرپرست خانوار با مردان، ممنوعیت تهدید و اجبار زن به انجام اعمال مغایر با شان او و در اولویت قرار گرفتن بانوان زندانی جرایم غیر عمد برای آزادی، تاکید داشت.

در این لایحه پنج عنوان مجرمانه تعریف شد: جرایم علیه تمامیت جسمانی، جرایم علیه حیثیت معنوی و روانی، جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی، جرایم علیه حقوق و تکالیف خانواده و جرایم علیه آزادی‌های مشروع بانوان. بدین ترتیب خشونت جنسی علیه زنان از این قانون حذف و به جای آن، «جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی» جایگزین شده است.

تغییراتی از این دست سبب شد تا موجی از **انتقادات**^۴ نیز علیه آن شکل گیرد: «این لایحه در بخش‌های اصلی تنها ماهیت توصیه و ارشاد دارد و در مرحله بعد به ندرت در بخش‌هایی قابلیت کارکرد پیشگیرانه و جلوگیری از اعمال خشونت دارد. این لایحه در کارکرد قانون‌گذاری نیز بیشتر به پس از واقعه آزار و خشونت پرداخته است و این همه در حالی است که تقریباً از کنار اصلی‌ترین نوع آزار یعنی آزار جنسی کاملاً بی‌تفاوت عبور کرده است. برای درک بهتر آن چه مدنظر نویسندگان لایحه بوده است بد نیست به تعداد کلمات کلیدی در موضوع حقوق زنان و آزار و اذیت زنان در این لایحه بپردازیم.

کلمه «تجاوز» یک بار استفاده شده است.

کلمه «تعرض» اصلاً استفاده شده است.

4. <https://bit.ly/3bPQyM8>



کلمه «آزار جنسی» اصلاً استفاده نشده است.
 کلمه «آزار روانی» یک بار استفاده شده است.
 کلمه «ختنه زنان» اصلاً استفاده نشده است.
 کلمه «خون بس» یک بار استفاده شده است.
 کلمه «سنت فصل» اصلاً استفاده نشده است.
 کلمه «پدر» ۲ بار استفاده شده است.
 کلمه «همسر» ۴ بار استفاده شده است.
 کلمه «شوهر» ۴ بار استفاده شده است.
 کلمه «زوج» ۲ بار استفاده شده است.
 کلمه «برادر» اصلاً استفاده نشده است.
 کلمه «کارگزن» ۲ بار استفاده شده است.
 کلمه «ازدواج» ۲۴ بار استفاده شده است.
 کلمه «خانواده» ۲۲ بار استفاده شده است.
 کلمه «فرار» یک بار استفاده شده است.

نگاهی به تعداد دفعات استفاده شده از این کلمات در لایحه شاید بیش از هر نقد و نظری نشان دهنده نوع نگاه تدوینگران این لایحه باشد.

شیما قوشه وکیل پایه یک دادگستری و عضو کانون وکلای مرکز درباره این لایحه **می‌گوید**:^۱ «در متن قبلی مسئله زنان در مقابل مردان مطرح شده بود. یعنی به جنسیت این بخش از جامعه پرداخته می‌شد، ولی بانو، صفتی برای زنان است. با نگاهی ادبیات‌گونه باید گفت به نقل از دهخدا، بانو، صفتی محترمانه برای زنان است، یعنی آیا باقی زنانی که دارای احترام نیستند، جزو این گروه نیستند؟ یعنی ترسیدن از کلمه زن باعث شده است هم عنوان عوض شود و هم در جای جای این متن، کلمه زنان حذف شود و بانوان جایگزین شود. او همچنین حذف کلمه خشونت از لایحه مورد تایید قوه قضاییه را اقدامی محتاطانه خوانده و می‌گوید: «به جای زن خشونت دیده می‌گوید زن بزه دیده که معنی بزه بسیار متفاوت است و تعریفی کلی دارد، اما در مورد خشونت مشخص است که از چه حرف می‌زند.»

از جمله موارد «توصیه و ارشاد» می‌توان به بندهای ماده ۱۵ اشاره کرد که در آن وزارت کشور موظف شده است تا «طرح جامع امنیت اخلاقی - اجتماعی بانوان همراه شاخص های مربوط به فضای مجازی و فضای حقیقی با همکاری وزارت

1. <https://bit.ly/2M5j8yb>

آن ها با همکاری وزارت اطلاعات و نیروی انتظامی» دارند، شناسایی کند. ماده اخیر صراحتاً دست وزارت اطلاعات و نیروی انتظامی را برای برخورد با هر نوع فعالیت جامعه مدنی و فعالان زنان را باز می‌کند.

براساس ماده ۵۶ این لایحه استخدام به شرط آرایش و پوشش مغایر با شان زن، ممنوع اعلام شده بود. در این ماده آمده است: «هرگاه هریک از کارکنان دستگاه‌های حکومتی نظیر موضوع ماده ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری و ماده ۲۹ قانون برنامه ششم توسعه یا دارندگان کسب و تجارت یا هتل‌ها یا رستوران‌ها، کارمند یا کارگزن با هر نوع رابطه استخدامی را مجبور به داشتن پوشش یا آرایش یا گویش یا رفتار خاصی کنند که مغایر با شایسته زن ایرانی و حیاء زن مسلمان بوده یا از حقوق شرعی و قانونی وی از جمله ازدواج یا بارداری منع کرده یا این موارد را شرط ادامه کار قرار دهد یا از ادای حقوق قانونی وی محروم کند، به محرومیت از حقوق اجتماعی درجه هفت محکوم می‌گردد. در این مورد در صورت طرح شکایت توسط زن، کارفرما یا مسئول مربوطه تا تعیین تکلیف نهایی توسط دادگاه؛ حق اخراج زن یا تغییر جایگاه و عنوان سازمانی وی را نخواهد داشت. همچنین پس از صدور حکم به نفع زن، کارفرما موظف است امنیت شغلی وی را در محدوده قوانین و مقررات کشور تأمین نماید. استنکاف از این حکم موجب محرومیت از حقوق اجتماعی درجه شش خواهد بود.»

شیما قوشه همچنین به استفاده مکرر از عبارات ایدئولوژیک اشاره کرده و می‌گوید: «در مورد وظایف آموزش و پرورش، بخشی را اسلامی کرده و از عبارات ایدئولوژیک استفاده فراوانی کرده است؛ مثلاً اصول معماری عقیفانه. یا در مورد اهداف این لایحه می‌گوید: «احقاق دادرسی عادلانه اسلامی» که اینها اصطلاحاتی ایدئولوژیک است؛ چون همان دادرسی عادلانه کفایت می‌کرد و اسلام را هم دربرمی‌گرفت. در مورد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌گوید: «حمایت از نشر و چاپ آثار فرهنگی و... با رویکرد دینی» از عبارت اصول ایرانی-اسلامی استفاده زیادی کرده است.»

ماده ۴۸ لایحه قوه قضاییه همچنین «رفتاری که موجب کشف حجاب اجباری زن شود» جرم دانسته بود.

لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت

بعد از ظهر یکشنبه ۱۴ دی ماه ۱۳۹۹ لایحه‌ای که این بار نیز نام آن تغییر کرده بود، به امضای حسن روحانی، رئیس دولت دوازدهم رسید، این بار با نام «**لایحه حفظ کرامت و حمایت از**

زنان در برابر خشونت».^۱

بدین ترتیب بار دیگر «بانوان» به «زنان» تبدیل شد. علاوه بر این

مهرانگیزکار: «زن ایرانی چه آزادی‌های قانونی‌ای دارد؟ آزادی خروج از کشور بدون رضایت شوهر؟ آزادی یافتن شغل بدون اجازه شوهر؟ و گروهی حتی معتقدند زن اجازه خروج از خانه را هم بدون اجازه شوهرش ندارد. پس این لایحه از زنان در برابر کدام محرومیت از آزادی‌های قانونی دفاع می‌کند؟»

1. <https://bit.ly/3oZp2Q7>



تعداد مواد لایحه از ۷۷ ماده مصوب قوه قضاییه به ۵۷ ماده کاهش یافت و تغییراتی در برخی از مواد ایجاد شد.

در این لایحه بار دیگر افراد مورد شمول این قانون و نیز تعریف خشونت تغییر کرد.

«زن: تمامی زنان و دختران تبعه ایران در داخل یا خارج و زنان و دختران غیر ایرانی که در قلمروی جمهوری اسلامی ایران حضور یا سکونت داشته باشند.

خشونت: هرفتار اعم از فعل یا ترک فعل که به جهت جنسیت یا موقعیت آسیب پذیر یا نوع رابطه مرتکب، بر زن واقع شود و موجب ورود آسیب یا ضرر به جسم یا روان یا شخصیت، حیثیت و یا محدودیت یا محرومیت از حقوق و آزادی های قانونی وی گردد.»

مهرانگیز کار، حقوقدان ساکن آمریکا در مورد تعریف خشونت به کار رفته در این لایحه می‌گوید: «این تعریف خوبی است و من اشکالی در آن نمی‌بینم. اما این تعریف در یک کشور پیشرفته و کشور های آزاد که قانون‌گذاری آنها بر مبنای تبعیض جنسی نیست، تعریف مناسبی است نه در کشوری مانند ایران که قوانین آن تبعیض آمیز است و در آن تبعیض برابر با خشونت است.»

مهرانگیز کار با اشاره به بخشی از تعریف خشونت که می‌نویسد «محرومیت و آزادی‌های قانونی» می‌پرسد: «زن ایرانی چه ازادی‌های قانونی‌ای دارد؟ آزادی خروج از کشور بدون رضایت شوهر؟ آزادی یافتن شغل بدون اجازه شوهر؟ و گروهی حتی معتقدند زن اجازه خروج از خانه را هم بدون اجازه شوهرش ندارد. پس این لایحه از زنان در برابر کدام محرومیت از آزادی‌های قانونی دفاع می‌کند؟»

از جمله تغییراتی که دولت در لایحه مصوب قوه قضاییه ایجاد کرده، حذف جرم‌انگاری تشویق یا تحریک زنان به کشف حجاب و یا دعوت عمومی آنان به مهمانی‌های مختلط و نیز الزام دستگاه‌های دولتی به تشکیل مراکز فرهنگی و تفریحی ویژه زنان است.

با این همه در زمینه مقابله با خشونت خانگی، در نظر گرفتن مهلت سه ماهه صلح و سازش^۱ اجباری قبل از رسیدگی

۱. ماده ۴۸- کلیه مراجع قضایی و انتظامی واجد صلاحیت در صورت مراجعه زنان برای شکایت از جرایم موضوع این قانون مکلفند فوراً و خارج از نوبت پرونده تشکیل داده و تحقیق و رسیدگی را آغاز نمایند. چنانچه متهم از اعضای خانواده زن باشد، در صورت رضایت زن، ابتدا پرونده با رعایت قوانین و مقررات مربوط

قضایی و نیاز به دوبار محکومیت قطعی^۲ شوهر به ارتکاب خشونت برای طلاق تنها گوشه‌ای از نقایص این قانون است. البته در لایحه نقاط مثبت نیز دیده می‌شود از جمله حمایت ویژه از زنان زندانی، تشکیل واحدهای ویژه مقابله با خشونت علیه زنان در مراجع قضایی و انتظامی، و الزام دادگاه به تعیین وکیل معاضدتی در صورت درخواست و نداشتن تمکن مالی قربانی خشونت اشاره کرد.

در حالی که یکی از مصادیق خشونت علیه زنان. تجاوز در بستر زناشویی است اما در ماده ۴۲ این لایحه آمده است «الزام همسربه تمکین نامشروع جرم است و مرتکب به یکی از مجازات های درجه هفت محکوم می شود.»

مهرانگیز کار در مورد نامشخص بودن مصادیق تمکین نامشروع می‌گوید: «نه فقط مردم عادی بلکه ما که سال‌ها در مورد مسائل زنان کار کرده‌ایم، نمی‌دانیم تمکین نامشروع به چه معنی است. چون هر رساله‌ای از آقایان را که باز کنید، نگاهی متفاوت به مساله تمکین دارند. اما در کل معتقدند زن مجبور است که از همسرش تمکین کند، حالات روحی، عاطفی زن اصلا اهمیتی ندارد. در این رسانه‌ها هر نوع خونریزی و قاعدگی هم نباید مانع مرد در کامیابی تلقی شود. با این وضع، تمکین نامشروع چه معنی‌ای دارد؟»

یکی از مهم‌ترین نقایص لایحه که در بررسی از سوی دولت رفع نشده، محدود کردن زمان زندگی جداگانه زن از شوهر آزارگر برای حداکثر سه ماه است.

در ماده ۵۱ لایحه آمده است: هرگاه شخصی زنی را به هر نحوه قتل یا ضرر نفسی یا شرفی یا مالی و یا به افشای سری نسبت به او یا بستگان او تهدید نماید و بیم آن رود که واقعا مرتکب آن جرم شود یا شخصی که به جهت ارتکاب جرم علیه زنان محکوم شده است، صریحاً نظرش را بر تکرار جرم ابراز کند و همچنین در صورتی که در هر مرحله قبل از صدور

برای صلح و سازش به شورای حل اختلاف محل ارسال می‌گردد و در صورتی که شورا با برگزاری حداقل دو جلسه ظرف سه ماه موفق به ایجاد صلح و سازش بین طرفین نشود، گزارش اقدامات و نتیجه جهت طی مراحل قضایی به آن مرجع ارسال می‌گردد.

۲. ماده ۵۶- در صورتی که زوج دارای دوبار محکومیت قطعی به جرایم موجب حد، قصاص و جنایات عمدی موجب دیه به هر میزان و مجازاتهای تعزیری تا درجه شش موضوع این قانون نسبت به زوجه باشد و مجدداً مرتکب هریک از جرایم مذکور علیه وی شده و منجر به صدور حکم قطعی گردد، از مصادیق عسر و حرج زوجه محسوب می‌شود.

مصادیق آزار جنسی زنان در محیط‌های خارج از خانه است: ماده ۳۷- هرگونه درخواست یا پیشنهاد برقراری رابطه نامشروع با زن جرم محسوب می‌شود و مرتکب به یکی از مجازات های تعزیری درجه شش محکوم می‌شود.

تبصره- چنانچه درخواست یا پیشنهاد مذکور از سوی کارکنان دستگاههای اجرایی مشمول قانون مدیریت خدمات کشوری - مصوب ۱۳۸۶- یا قانون کار و با توجه به موقعیت شغلی در محیط کار، خواه در محیطهای دولتی یا حاکمیتی و خواه در محیط های عمومی غیردولتی یا خصوصی انجام شود، مرتکب حسب مورد به انفصال از خدمات دولتی و عمومی یا محرومیت از آن شغل برای مدت شش ماه تا دو سال محکوم می‌شود.

آخرین ماده لایحه مصوب دولت حسن روحانی به یکی از اعتراضات همیشگی زنان در مورد لزوم اذن ولی و شوهر برای صدور اجازه خروج از کشور زنان پرداخته است. در ماده ۵۷ این لایحه آمده است «زنانی که برای خروج از کشور نیاز به اذن همسر دارند، در صورت خودداری غیرموجه وی از اعطای اذن، می‌توانند ضمن تقدیم دادخواست، مدارک و مستندات خود مبنی بر ضرورت خروج از کشور را به دادگاه خانواده تسلیم کنند. دادگاه خارج از نوبت نسبت به موضوع رسیدگی کرده و در صورت احراز ضرورت امر، عنداللزوم پس از اخذ تأمین مناسب، اذن خروج از کشور با ذکر مدت و دفعات سفر خواهد داد.»

مهرانگیز کار اما همه این تلاش‌ها برای منع نسبی خشونت علیه زنان بی‌تاثیر می‌داند و می‌گوی: «همه این مواد باید ابتدا به تصویب مجلس برسد، مجلس یازدهمی که در همین دوران کوتاه خود نشان داده که مجلس سفیهان است. بعد از آن هم باید به شورای نگهبان برود که سابقه عملکردشان در محدود کردن زنان مثال زدنی است. به نظر من این لایحه و لوایح مشابه آن در ساختار حکومتی و قانونی جمهوری اسلامی هیچ بهبودی در وضعیت زنان ایجاد نمی‌کند. گروهی هستند که

می‌خواهند در مجامع بین‌المللی بگویند که وضعیت زنان در حال بهبود است. این نوع لوایح فقط برای آنها است که بگویند دارد حرکتی انجام می‌شود زیرا همه می‌دانند حتی اگر بهترین قانون هم نوشته شود، روحانیت واپس‌گرا در جمهوری اسلامی اجازه اجرا شدن آن را نمی‌دهد.»

حکم قطعی، ظن قوی بر تکرار ضرب و جرح یا آسیب بیشتر نسبت به بزه دیده یا فرزندان او و یا اعمال فشار به بزه دیده برای انصراف از پیگیری شکایت وجود داشته باشد و یا متهم صریحاً بر این امور تأکید نماید، حسب مورد مرجع قضایی بنا به درخواست زن تهدید شده یا متضرر از جرم و با توجه به نوع و شدت خطر، کیفیت جرم و سوابق و وضعیت آن زن، یک یا چند دستور حفاظتی - حمایتی زیر را صادر و بلافاصله اجرا خواهد کرد:

اخذ تعهد بر عدم ارتکاب جرم مورد اشاره.

منع ورود متهم به اقامتگاه بزه دیده برای مدت حداکثر سه ماه.

منع ورود زوج به محل سکونت مشترک برای مدت حداکثر سه ماه.

منع ورود متهم به محل کار بزه دیده برای مدت حداکثر سه ماه.

تهیه محل سکونت جداگانه برای زوجه توسط زوج، متناسب با توان مالی زوج و شئون زوجه برای مدت حداکثر سه ماه.

مراجعه متهم جهت مشاوره و معالجات ضروری و ارائه گواهی آن.

معرفی بزه دیده به مراکز نگهداری موضوع این قانون برای مدت معینی که در دستور صراحتاً قید می‌گردد. معرفی بزه دیده به سازمانها و نهادهای دولتی و غیردولتی فعال در زمینه اقدامات حمایتی.

ایجاد محدودیت در اعمال حقوق مربوط به ملاقات، حضانت، ولایت، قیمومت، وصایت و سرپرستی اطفال و نوجوانان دختر.

سپردن طفل و نوجوان دختر به صورت موقت به سازمان بهزیستی کشور یا مراکز مربوط و یا محارم.

سپردن تأمین مناسب از نوع کفالت یا وثیقه برای حداکثر دو سال.

بازداشت برای حداکثر یک ماه

بنابراین، بعد از پایان سه ماه، پرونده در هر مرحله‌ای باشد، زن مکلف است به منزل مشترک بازگردد و زندگی با شوهر خشونت‌گرا ادامه دهد.

یکی دیگر از نکات قابل توجه در لایحه توجه به برخی از

تا زمانی که قوانین ضد زن وجود داشته باشند، مبارزه لازم است



شهرزاد کریمی

مسکوت ماند.

پس از قتل فجیع رومینا توسط پدرش و انتشار خبرهای دیگر در همین راستا، ناگهان فشار داخلی و در پی آن جهانی دوچندان شد. حال تصویب این لایحه که پیش از این، در قوه قضاییه هم مراحل طولانی را به جهت بررسی گذرانده، سوال‌های زیادی را ایجاد کرده است. از جمله این‌که تا چه حد می‌توان به اجرایی شدن عملی آن امید بست. مجله حقوق ما در این باره با فرمیسک مردینی، حقوق‌دان؛ و هدر بار، مدیر موقت حقوق زنان در سازمان دیدبان حقوق بشر و وکیل، گفت‌وگو کرده است.

مجله حقوق ما در این باره از «فرمیسک مردینی»، حقوق‌دان، پرسید:

با توجه به سویه شرعی قوانین ایران و این‌که، موضوعاتی هم‌چون تجاوز و تعرض، سنت‌های مخرب و ضد زن، مقابله با مردسالاری و سلطه‌گری بر زنان و تبعیض مورد نظر نبوده، آیا این لایحه می‌تواند، در بهبود شرایط موثر باشد یا لااقل امیدها برای بهبود را افزایش دهد؟

ظاهراین لایحه تقریباً مفصل، کم‌ایراد است و مواردی که ذکر شده، اگر بتواند عملی شود (که من معتقد نیستم بشود) خوب است و می‌تواند تا حدی موثر باشد. آن چیزی که مشکل ایجاد می‌کند همان مواردی است که ذکر نشده، ندید گرفته شده و یا

عصر روز یکشنبه چهاردهم دی ماه ۹۹۳۱ در جلسه هیات دولت به ریاست حسن روحانی رئیس جمهوری، «لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت» تصویب و به مجلس ارسال شد.

اما می‌بایست اشاره کرد که لایحه‌ای که با نام منع خشونت علیه زنان آغاز به کار کرد و در نهایت، با عنوان محافظه کارانه «حفظ کرامت و تامین امنیت بانوان در برابر خشونت» تصویب شد به جای پاسخ‌گویی، خود سوالات متعددی را در ذهن بسیاری به وجود آورده است.

حدود هفت سال بررسی، مذاکره و مشاوره‌های مختلف پیرامون تصویب این لایحه به طول انجامیده است. از آن‌جا که روح و شاکله قوانین مصوب در ایران، براساس شرعیات و سنت‌ها تنظیم شده، بر همین مبنا نیز مسائل مربوط به زنان به شکلی فرعی و در قالب «خانواده» بررسی می‌شوند.

یکی از اهداف اصلی این لایحه نیز بر پایه آن چه که در قبل آورده شد، تحکیم مبانی خانواده است. قتل فجیع «رومینا اشرفی»، توسط پدرش یک نقطه عطف بود. گرچه از چند سال قبل و در دوره زمام‌داری محمود احمدی‌نژاد، موضوع لایحه منع خشونت علیه زنان کلید خورده بود، اما از آن‌جا که فحوا و محتوای این قانون، مطلوب نظر حاکمیت نبود (و البته هم‌چنان هم نیست)، روی خوش به آن نشان نداد و تقریباً

در حاشیه مانده است. در قوانین ایران به زن، از دریچه فقهی و سنتی و کاملاً تبعیض‌آمیز و به مثابه جنس دوم نگاه شده است.

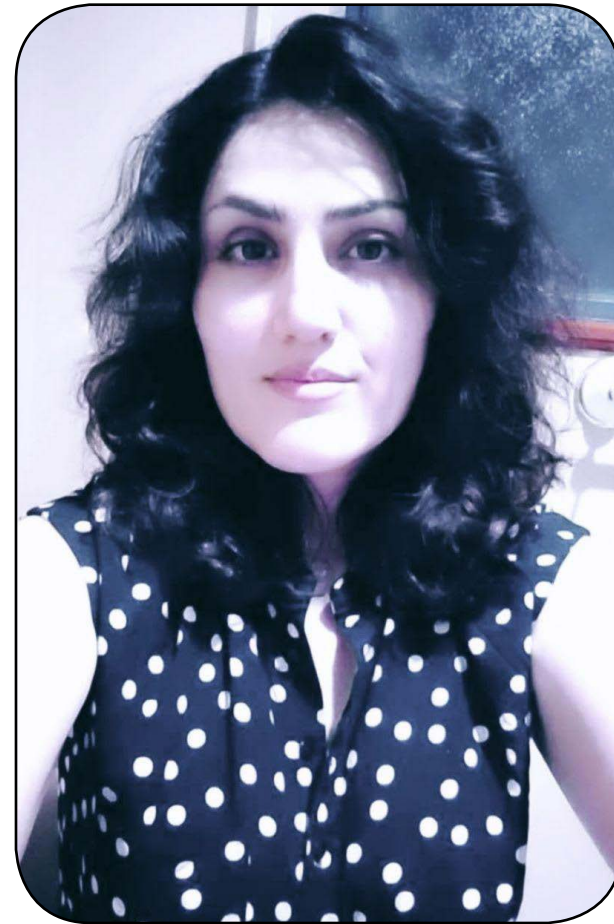
برای مثال، در ایران قانونی هم‌چون سنگسار با وجود تمام فشارهایی که از سمت ایرانیان و جامعه جهانی آورده شد، حذف نشد، فقط به شکل دستوری فعلاً اجرا نمی‌شود. مساله این‌جاست که این لوایح، بر بنیانی نصب می‌شود که نه تنها غلط است، بلکه دقیقاً بر اساس مردسالاری، تبعیض علیه زنان، تحقیر و خانه‌نشینی زنان و حمایت از سلطه‌گری مردان در قالب پدر، همسر، عمو، پدر بزرگ، سرپرست و... بنا شده است.

آیا وقتی از کرامت زنان حرف می‌زنیم، به حق انتخاب آن‌ها در شغل، پوشش، انتخاب محل زندگی و... نیز اهمیت داده می‌شود؟ این لایحه هیچ پاسخی در این زمینه‌ها ندارد. راه‌کار ندارد. نقشه راه ندارد. در بسیاری موارد حتی ضمانت اجرایی

نیز ندارد. معلوم نیست در سایه قوانینی کلی‌تر، چگونه می‌شود موارد این لایحه را اجرا کرد. تکلیف زنانی که به دلیل بی‌حجابی در خیابان یا ایستگاه‌های پلیس مورد هتک حرمت قرار می‌گیرند چه می‌شود؟ آسیب‌های روانی شدیدی که به دلیل ازدواج مجدد مردان، برای زنان بوجود می‌آید و گاه حتی به خودکشی و مشکلات روانی می‌انجامد جایی برایش هست؟ متأسفانه مشکل اصلی این لایحه به خاطر مواد و بندهایی است که باید داشته باشد و ندارد. موضوع این است که در قوانین ایران، برتری در درجه اول با مرد، سپس با حفظ حریم خانواده به هر قیمت، بعد از آن با فرزندان و در نهایت اگر جایی مانده باشد زن قرار می‌گیرد.

با این حساب از نگاه شما این لایحه به فلسفه وجودی خودش، که همان حمایت از زنان در برابر انواع خشونت





است توجه نکرده، یا احیاناً می‌توان از موارد مثبتی هم مثال آورد؟ هم‌چنین اگر بخواهید بطور مشخص از مشکلات لایحه بگویید به چه مواردی می‌توان اشاره کرد.

اتفاقاً نکته این جاست که بعضی موارد مطرح شده در لایحه، قبلاً مورد توجه قرار نگرفته بود و همین که بیان شده، فارغ از این‌که ضمانت اجرایی ندارد، خوب است: مانند اشارات به اسیدپاشی. ولی در عوض برخی کلمات و مفاهیم به عمد و با تغییر آن‌ها از محتوا خالی شده است. مثلاً خشونت علیه زنان.

در جایی که این لایحه اساساً به دلیل وجود انواع خشونت‌ها و جنایت‌های خانوادگی پی‌گیری شد، اما کارکرد اصلی خود را از دست داده است. به خشونت خانگی که یک معضل اساسی در جامعه سنتی است مانند جرم‌های گاه به گاه و اتفاقی نگاه شده و از آن با عنوان «صدمه جسمی» نام برده شده است.

این حذف مفاهیم شناخته شده و تغییر آن‌ها، شاید به دلیل این بوده که حساسیت فراوانی از سمت تندروها روی این مفاهیم است و مثلاً خواسته‌اند مانند همیشه، با دور زدن کار پیش برود. ولی این به هیچ عنوان پاسخ‌گو نیست، چرا که ضمانت اجرایی ندارد.

ضمن این‌که، وقتی بر روی مفاهیم شناخته شده جهانی و لزوم آموزش آن‌ها، کار نشده و حتی در چنین لایحه‌ای تغییر داده می‌شوند، نمی‌توان انتظار داشت ذهن زن‌ستیز فلان قاضی یا فلان مامور انتظامی یا حتی آن مسئول فرهنگی بتواند تغییری ایجاد کند.

موضوع تجاوز، حتی تجاوز و تعرض به کودکان، عملاً هنوز در قوانین به رسمیت شناخته نشده و این فاجعه است. حتی در همین لایحه هم تا جایی که ممکن بوده طراحان از این کلمه و مطرح کردن آن در شکلی که در جهان مدرن امروزه وجود دارد، فرار کرده‌اند. اگر از من بپرسید، می‌گویم با وجود این لایحه نیز در، هم‌چنان بر همان پاشنه خواهد چرخید.

اشاره خانم مردینی، به عدم تغییر دیدگاه در قضات، ضابطین قضایی و مجریان این لایحه در آینده، این سوال را ایجاد می‌کند که آیا بدون تغییر مفاهیم، نگاه کلی قوانین و پس از آن تغییر در دیدگاه کلی جامعه، چقدر شانس برای



نتیجه‌ای که از تغییر قانون می‌توانید بدست آورید. خشونت‌های بر پایه جنسیت، مشکلی عمومی در کشورهای جهان هستند و مبارزه برای تغییر در جامعه و رسیدن به تساوی واقعی حقوق جنسیتی، در حال حاضر در سراسر دنیا مسیر پیشرفت و اجرایی شدن را طی می‌کند. من نمی‌توانم بگویم تغییر در قوانین و یا تغییر فرهنگی کدام یک می‌تواند مهم‌تر باشد، هر دوی این موارد اساسی و ضروری است و می‌بایست به عنوان بخشی از یک مبارزه و تلاش به هر دو آن‌ها توجه داشت.

حال که بر مبنای سخن شما، نمی‌توانید اولویتی در ارتباط با اهمیت تغییر قانون و یا فرهنگ عمومی جامعه قائل شوید، این‌گونه به این موضوع نگاه کنیم که با در نظر گرفتن لزوم هر دو این موارد، از چه مسیر و یا طریقی می‌توان به مطلوب رسید؟

در این ارتباط که ما از چه راهی می‌توانیم به تغییرات اجتماعی و یا فرهنگی برسیم به نظر من همه چیز در این موارد باید ریشه در جنبش‌های زنان در جوامع و کشورها داشته باشد. ما با مخالفانی روبرو هستیم که معتقدند و در این باره، جدل هم می‌کنند که حقوق زنان، اختراعی غربی است و فمینیسم ضد دین است و غیره.

اما میدانیم که این ادعا حقیقت ندارد و زنان تا زمانی که قواعد و احکام جنسیتی در هر کشوری وجود داشته باشد، برای کسب برابری مبارزه خواهند کرد. ما نمی‌توانیم اجازه دهیم که زن‌ستیزان از دین و مذهب ادعا و تفسیر خودشان را داشته باشند، خواه مسیحیان بنیادگرای آمریکایی باشند که مدعی هستند خدا می‌خواهد زنان، مطیع شوهران‌شان باشند و یا طالبان در افغانستان، که اصرار دارند آن‌ها بر مبنای اسلام، در مقام حاکم و تعیین کننده حقوق زنان هستند و زن حق برپایی جنبش‌های آزادی‌خواهانه ندارد.

به عنوان کنش‌گری که در سطح بین‌المللی فعالیت می‌کنم معتقدم که ما می‌بایست در کنار فعالان حقوق زنان که در جوامع و کشورهای‌شان کار و تلاش می‌کنند قرار بگیریم و از آن‌ها حمایت کنیم و با ارائه اطلاعات و در دسترس قرار دادن منابع و بسترهای مختلف، به آن‌ها در تغییر نظر و دیدگاه دولت‌ها و جوامع‌شان یاری و کمک‌رسانی کنیم.

که قانون از حفاظت زنان در مقابل خشونت ناکام می‌ماند، ضروریست که آن را تغییر داد.

ما بعضی اوقات و غالباً شاهد تصویب قوانین مناسب و خوبی هستیم، اما هیچ تغییر عملی در رعایت حقوق زنان در پی آن رخ نمی‌دهد. این به آن خاطر است که نیروهای پلیس، دادستان‌ها و قضات، هم‌چنان بر همان پایه نگرش‌های جنسیتی گذشته خود عمل کرده و از قوانین براحتی چشم‌پوشی و گذر می‌کنند، زیرا فضای عمومی جامعه این اجازه را به آن‌ها می‌دهد.

این جاست که تغییر فرهنگ عمومی در جامعه ضروری بنظر می‌رسد، اما این وظیفه‌ای است که انجام آن معمولاً بسیار سخت و طولانی است و شما بندرت ممکن است به یک موفقیت و کامیابی واضح و مشخص برسید، در مقایسه با

تغییر با وجود چنین لوایحی وجود دارد.

در همین ارتباط سراغ خانم «هدر بار» مدیر موقت حقوق زنان در دیده‌بان حقوق بشر وکیل رفتیم. او تحقیقاتی را در کشورهای از جمله افغانستان، بنگلادش، برمه، نپال و پاپوآ گینه نو در مورد موضوعاتی از جمله ازدواج کودکان، تحصیل دختران و خشونت علیه زنان انجام داده است.

از او پرسیدیم در راه مبارزه با خشونت علیه زنان در کشورهای که سنت و دین بر اجرا و اثرگذاری قوانین تاثیر می‌گذارند، نقطه نظر و راه‌کار شما برای استیفای حقوق زنان چیست؟

من فکر می‌کنم برای کاهش خشونت علیه زنان عموماً می‌بایست در فرهنگ جامعه و برخی قوانین آن تغییر ایجاد کرد، البته تغییر قوانین گاه امکان‌پذیرتر است و یقیناً در جایی

آسیه آریانفر:

لایحه صیانت از بانوان،

تکرار مکررات



علی اصغر فریدی

صورت می‌گیرد، در بخشی از این لایحه آمده است، حفظ کرامت و امنیت روح و جسم بانوان در گرو حفظ نظام خانواده، مدنظر قرار گرفته و تلاش شده است که قوانین به گونه‌ای باشد تا مداخلات پیشگیرانه و کیفری، ضمن صیانت، کرامت و تأمین امنیت بانوان در برابر خشونت منجر به حفظ و ارتقاء نظام خانواده شود.

برای بحث در رابطه با بخش‌هایی از این لایحه و دلیل ارائه آن، «مجله حقوق ما»، گفت‌وگوی کوتاهی با «آسیه آریانفر»، وکیل دادگستری، انجام داده که مشروح آن در ذیل آمده است.

لایحه صیانت، کرامت و تأمین امنیت بانوان در برابر خشونت چه اهدافی را دنبال می‌کند؟

اهداف لایحه صیانت، کرامت و تأمین امنیت بانوان در ماده یک لایحه مورد اشاره قرار گرفته: ماده ۱- اهداف این لایحه عبارت است از: الف- تأمین امنیت و صیانت از کرامت بانوان. ب- تحکیم مبانی خانواده و حفاظت از کیان آن. پ- افزایش سطح آگاهی عمومی و آموزش‌های اختصاصی در زمینه مقابله با بزه موضوع این قانون. ت- توسعه دانش و فن آوری در زمینه عدالت اجتماعی و صیانت از کرامت بانوان و حفظ نظام خانواده. ث- ارتقاء شاخص‌های دادرسی اسلامی و عادلانه در خصوص بانوان موضوع این قانون. ج- پیشگیری از جرایم خشونت آمیز علیه بانوان. چ - حمایت از بانوان بزه

اعمال خشونت علیه زنان، مقوله‌ای است که کم و بیش در همه جای دنیا از سوی مردان به صورت روزانه رخ می‌دهد. در برخی از این جوامع، قانون تا اندازه زیادی از زنان در مقابل خشونت حمایت می‌کند. اما در برخی از جوامع، قانون و عرف و اعتقادات مذهبی اگر حامی مرد برای خشونت نباشد، حداقل در مقابل خشونت مردان علیه زنان سکوت می‌کند. خشونت علیه زنان پیشینه تاریخی طولانی دارد و در کشورهای مختلف هنوز این خشونت با آمار بسیار بالایی اعمال می‌شود، دلایلی همچون مرد سالاری، عرف اجتماعی، قداست خانواده، مذهب و ... در ادامه این روند دخیل هستند.

علاوه بردخیل بودن فاکتورهای مختلف اجتماعی در اعمال خشونت علیه زنان در ایران، عدم حمایت قاطع قانون از زنان در مقابل خشونت مردان است. به عنوان مثال مجازات فرزندکشی که بیشتر دختران قربانی این جرم هستند، سبک‌تر از بسیاری از جرم‌های دیگر است و حقوقدان‌ها معتقدند که باید در ماده ۲۱۶ قانون مجازات بازنگری بشود.

سال گذشته لایحه صیانت، کرامت و تأمین امنیت بانوان در برابر خشونت از سوی ریاست قوه قضاییه به دولت ارسال شد، اخیراً نیز دولت موادی از آن را تغییر داده و برای تصویب، ارسال کرده است.

در حالی که بخش زیادی از خشونت علیه زنان در خانواده

برخورد قانونی و قاطع در راستای تنبیه فرد خاطی (شوهر) می‌باشد، پس از تنبیه شوهر از سوی دستگاه قضا آیا بنیان و کیان خانواده کماکان برقرار خواهد بود؟ آیا شوهر خواهان ادامه زندگی با شاکی خود خواهد بود؟ این موضوع به نظر اجرایی نیست.

چه سازوکارهایی برای اجرائی شدن موارد مندرج در لایحه صیانت، کرامت و تأمین امنیت بانوان، اندیشیده شده و چه ارگان یا ارگان‌هایی بر اجرای آن نظارت می‌کنند؟

به نظر راه حل حفظ کرامت و تأمین امنیت زنان در جامعه در درجه اول به آموزش و افزایش سطح آگاهی عموم بستگی دارد، سپس در نحوه تعامل سیستم حاکم با زنان. در دولت در سازمان‌ها و نهادهای مختلف چه اندازه به حضور زنان و حق اشتغال و حق تأثیرگذاری زنان بها داده شده، چه اندازه زنان از سوی سیستم جهت حضور در پست‌های مهم و کلیدی حمایت می‌شوند؟

دیدگاه سیستم حاکم چه اندازه با شرایط عصر حاضر و استانداردهای جهانی تطابق و هماهنگی دارد؟ اساساً نقش زنان در مدیریت کلان کشوری بسیار ضعیف و نزدیک به صفر است با وصف عدم حضور زنان در جایگاه برحق و مشروع خود تا چه اندازه می‌توان شاهد حفظ حقوق و حفظ کرامت و صیانت و حفظ امنیت زنان در جامعه و در خانواده‌ها بود؟

به نظر شما راه حل صیانت، کرامت و تأمین امنیت زنان در ایران چیست و برای رسیدن به آن چه باید کرد؟

به نظر بنده لایحه حاضر در دراز مدت هیچ کمکی به ارتقای حفظ حقوق زنان نخواهد کرد. چرا که مواردی که جرم‌انگاری شده در سایر قوانین از جمله قانون مجازات و آیین دادرسی کیفری نیز قید گردیده و صرفاً تکرار مکررات است و در عرصه عمل کمکی به بهبود وضع موجود نخواهد کرد.

در چندین مورد حضور نهادهای امنیتی توجیه شده از جمله بند ۶ ماده ۵۱ لایحه که به نوعی مجوز ورود نیروی انتظامی و وزارت اطلاعات در فضای مجازی است و راه را برای دستگیری‌ها و برخوردهای سلیقه‌ای و فراقانونی باز خواهد کرد. اساساً وجود موادی از این دست در منافات با فلسفه تصویب لایحه مورد بحث است.



دیدۀ یا در معرض بزه دیدگی.

در حالی که بخش زیادی از خشونت علیه زنان در خانواده صورت می‌گیرد، در بخشی از این لایحه آمده است، حفظ کرامت و امنیت روح و جسم بانوان در گرو حفظ نظام خانواده، مدنظر قرار گرفته و تلاش شده است که قوانین به گونه‌ای باشد تا مداخلات پیشگیرانه و کیفری، ضمن صیانت، کرامت و تأمین امنیت بانوان در برابر خشونت منجر به حفظ و ارتقاء نظام خانواده شود. به نظر شما این موضوع را چگونه می‌توان تفسیر کرد؟

به نظر مداخلات پیشگیرانه و حفظ کیان خانواده با همدیگر قابل جمع نخواهند بود، مداخلات پیشگیرانه و کیفری زمانی است که حقوق زن از سوی مرد خانواده مورد تضییع قرار گرفته باشد. زن ممکن است مورد ضرب و جرح یا ضرر حیثیتی یا روحی و معنوی قرار گرفته باشد.

در فرض موجود قانون‌گذار به استناد لایحه حاضر مکلف به

هفت نکته درباره لایحه دولت روحانی برای مبارزه با خشونت علیه زنان



بهنام دارایی زاده

اشاره: در نهایت پس از گذشت نزدیک به هفت سال، هیات دولت حسن روحانی، در جلسه روز ۱۴ دی ماه ۱۳۹۹، لایحه موسوم به «حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت» را با قید یک «فوریت» تصویب کرد.

این لایحه که از چند سال قبل، در دولت احمدی نژاد، مجلس وقت و قوه قضاییه، مطرح بود؛ اینک برای طی مراحل قانونی در اختیار مجلس یازدهم قرار گرفته است. یک روز پس از ارائه این لایحه، معصومه ابتکار، معاون پارلمانی دولت روحانی، ضمن استقبال از تصویب آن در هیات وزیران، ابراز امیدواری کرد که مجلس نیز به این لایحه، رای دهد.

این لایحه که در واقع متن تغییر یافته لایحه موسوم «صیانت، کرامت و تأمین امنیت بانوان در برابر خشونت» است؛ در پنج فصل جداگانه تنظیم شده است؛ متنی که در آذرماه سال ۱۳۹۶ زیر عنوان مشابه دیگری منتشر شده بود و همان موقع هم واکنش‌های مختلفی برانگیخت.^۱

به هر روی متن فوق، در نهایت در شهریورماه سال ۱۳۹۸، در اختیار هیات وزیران دولت روحانی قرار گرفت؛ اما دولت روحانی، بررسی و تصویب این لایحه را برای نزدیک به یک سال و نیم دیگر، تا دی ماه ۱۳۹۹، به تعویق انداخت.

دولت روحانی در حالی نسبت به بررسی و تصویب این لایحه

۱. «تأمین امنیت زنان در برابر خشونت»

بی‌توجه بود که جامعه ایران، تنها طی همین مدت، شاهد گزارش‌های پُرشماری از خشونت‌ها و قتل‌های دل‌خراش و ناباورانه «ناموسی» بود. حتی در بدنه‌ی خود دولت، کسانی نظیر معصومه ابتکار، از ماه‌ها قبل، از دولت خواسته بود که با توجه به حساسیت‌های ایجاد شده در جامعه، انتظارات و واکنش‌های گسترده در میان رسانه‌ها و فعالان مدنی و...، مفاد این لایحه هرچه سریع‌تر، «خارج از نوبت»، بررسی و تصویب شود.

جدا از این که آیا این لایحه، در نهایت در مجلس کنونی و «شورای نگهبان» تایید خواهد شد یا خیر؛ مفاد این لایحه، واجد موارد قابل ملاحظه زیادی است. در ادامه این یادداشت سعی می‌شود به برخی از مهم‌ترین این موارد، اعم از مثبت یا منفی، اشاره شود. یادآوری این نکته لازم است که متنی که در اختیار داریم، متن نهایی قانون نیست و به احتمال زیاد در جریان بررسی و تصویب احتمالی، بار دیگر تغییر خواهد کرد.

پنهان نمی‌توان کرد که متن این لایحه پیشنهادی، به رغم تمامی ایرادهای که دارد؛ در برگیرنده برخی از نکات، جزئیات و ضرورت‌هایی است که در جای خود، در چهارچوب رژیم حقوقی-کیفری جمهوری اسلامی، قابل تأمل است. ابتدا، به برخی از نکات «مثبت» که در این لایحه پیش‌بینی شده است می‌پردازیم:

۱) واقعیت این است در این لایحه پیشنهادی، تعریفی از



مفهوم «خشونت» ارائه شده که در مقایسه با سایر اسناد حقوقی داخلی، رویه‌های قضایی شناخته شده جمهوری اسلامی و البته مبانی فقه شیعه، به نوعی «پیشرو» و قابل توجه است. برابر ماده نخست این لایحه، «هر رفتار اعم از فعل یا ترک فعلی که به جهت جنسیت یا موقعیت آسیب‌پذیر یا نوع رابطه مرتکب، بر زن واقع شود و موجب ورود آسیب یا ضرر به جسم یا روان یا شخصیت، حیثیت و یا محدودیت یا محرومیت از حقوق و آزادی‌های قانونی گردد.» می‌تواند مصداقی از «خشونت» قلمداد شود؛ و لاجرم در چهارچوب ضوابط یا مجازات‌های در نظر گرفته شده در قانون طبقه‌بندی شود.

همین موضوع که «محرومیت از حقوق اجتماعی زنان» به عنوان مصداقی از «خشونت» در نظر گرفته شده است؛ در چهارچوب «رژیم حقوقی-کیفری جمهوری اسلامی»، امر کاملاً بدیع و تازه به شمار می‌رود. ۲) از موارد مثبت و قابل توجه دیگری که در این لایحه پیشنهادی به آن پرداخته شده است، ضرورت توانمندسازی، نیاز به آموزش‌های ساختاری و حمایت معنادار از زنان آسیب‌پذیر است. در همین راستا، در بخش‌های مختلف این لایحه، به توسعه و تقویت مراکز مشاوره، فوریت‌های اجتماعی، تسهیل صدور مجوز برای «خانه‌های امن»، «اسکان موقت» یا سایر مراکز خدماتی و «توانمندسازی» اشاره شده است.

۳) یکی دیگر از مواردی که در این قانون به صراحت به آن پرداخته شده و پیش‌بینی می‌شود که به واکنش‌های دامنه‌داری نیز بیانجامد؛ وضع مسئولیت کیفری برای مردی است که به رغم آگاهی از بیماری مقاربتی خود، با همسرش رابطه جنسی برقرار می‌کند. برابر ماده ۳۰ این لایحه، «هرگاه زوج

۱. برابر ماده ۲۱ این لایحه، ظرف شش ماه باید واحد تأمین امنیت زنان در پاسگاه‌ها و کلانتری‌ها ایجاد شود.

علی‌رغم علم به وجود بیماری خود و قابلیت سرایت آن، اقدام به برقراری رابطه جنسی با همسر خود کند و منجر به فوت شود در صورتی که مشمول جنایت عمدی شود به قصاص و در غیر این صورت به مجازات‌های سنگین دیگری محکوم می‌شود.^۱ به نظر می‌رسد، به مانند سایر قانون‌نویسی‌هایی که درباره زنان در جمهوری اسلامی صورت می‌گیرد، در این مورد هم عاملیت، خواست و اراده آزاد زنان نادیده گرفته شده است. از سوی دیگر، قانون‌گذار مشخص نکرده است که حکم رابطه جنسی محافظت‌شده، با رضایت و اراده آزاد طرفین، چیست؟

(۴) در بخش دیگری از این لایحه، تلاش شده است تا با سنت ارتجاعی موسوم به «خون‌بس»، مقابله شود. «خون‌بس» در واقع شناخته‌شده‌ترین شکل از «ازدواج اجباری» است که در چهارچوب مناسبات پدرسالار/مردسالار همچنان در برخی از مناطق ایران گزارش می‌شود. برابر ماده ۴۰ این لایحه، سواستفاده از ولایت، قیمومت، وصایت و سرپرستی از طریق وادار کردن زن به ازدواج یا طلاق بدون رضایت او، به هر دلیل از جمله حل‌وفصل اختلافات، یا ازدواج مبادله‌ای «جرم» و مستوجب مجازات درجه شش است.^۱

(۵) از دیگر موارد مطرح شده در این لایحه که شاید بشود آن را نیز ذیل «نکات مثبت» جای داد؛ اشاره صریح و مستقیم به حق دادخواهی و مراجعه به دادگاه در مواردی است مرد، با توجه به اختیارات قانونی-شرعی خود، مانع خروج همسرش از کشور می‌شود.

برابر ماده ۵۷ این لایحه، «زنانی که برای خروج از کشور نیاز به اذن همسر دارند، در صورت خودداری غیرموجه وی از اعطای اذن، می‌توانند ضمن تقدیم دادخواست، مدارک و مستندات خود مبنی بر ضرورت خروج از کشور را به دادگاه خانواده تسلیم کنند. دادگاه، خارج از نوبت، نسبت به موضوع رسیدگی کرده و در صورت احراز ضرورت امر، عنداللزوم پس از اخذ تأمین

۱. برخی از مجازات‌های کیفری «درجه شش» از این قرار است:

- حبس بیش از شش ماه تا دو سال.
- جزای نقدی بیش از بیست میلیون (۲۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا هشتاد میلیون (۸۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال
- شلاق از ۳۱ تا ۷۴ ضربه و تا ۹۹ ضربه در جرائم منافی عفت
- محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از شش ماه تا پنج سال
- انتشار حکم قطعی در رسانه‌ها
- ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی برای اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال

مناسب، اذن خروج از کشور با ذکر مدت و دفعات سفر خواهد داد.»

همان طور که ملاحظه می‌کنید، به رغم پیش‌بینی چنین ماده‌ای، «حق سفر» یا خروج زنان از کشور، کماکان بسته



به اراده‌ی شوهر، در جایگاه «رئیس خانواده» است.^۱ به هر روی، وفق این ماده، هرچند حق شکایت یا مراجعه به دادگاه برای زنان پذیرفته شده است؛ اما حتی در صورت همراهی

۱. ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی ایران: «در روابط زوجین، ریاست خانواده از خصایص شوهر است.»

دادگاه‌های خانواده نیز، اجازه خروج از کشور همچنان منوط به وجود دلیل موجه برای سفر، و البته سپردن ضامن و وثیقه کافی، است.

(۶) پیش‌تر اشاره شد که براساس مبانی فقه شیعه، عاملیت زنان یا اراده آزاد آن‌ها در برقراری رابطه جنسی یک سر نادیده گرفته شده است. از جنبه‌های واپس‌گرایانه‌ی لایحه حاضر هم یکی تأکید بر همین قاعده فقهی است.

برای مثال، برابر ماده ۳۷ این لایحه پیشنهادی، «هرگونه درخواست یا پیشنهاد برقراری رابطه نامشروع با زنان جرم محسوب می‌شود.» بدون این که اساساً خواست یا اراده مستقل زنان برای برقراری رابطه در نظر گرفته شده باشد. یا برابر ماده دیگری از همین لایحه، اگر مردی به زنی که در عقد ازدواج فرد دیگری است؛ توصیه کند یا بگوید که طلاق بگیرد؛ صرف طرح چنین پیشنهادی «جرم» محسوب می‌شود و قابل مجازات است.^۲

(۷) از دیگر سویی، به نظر می‌رسد که برخی از رفتارهای مجرمانه در این قانون مبهم است؛ دامنه آن دقیق نیست یا مجازات‌ها به اندازه کافی بازدارنده نیستند. برای مثال، اگر مردی از طریق شبکه‌های مجازی، «تصاویر نامتعارف / مستهجن» برای یک زن بفرستد، اگر «موجب آزار روحی شود» به جزای نقدی محکوم خواهد شد. (حداکثر هشت میلیون تومان)

واقعیت این است که خشونت علیه زنان، به طور مشخص‌تر «خشونت‌های ناموسی»، صرفاً یک مسئله «فرهنگی» یا برآمده از سنت‌های ارتجاعی نیست. به این معنا که نمی‌توان تنها با ارجاع به ارزش‌های مردسالار/پدرسالار در یک جامعه مذهبی و بسته، تحلیلی عینی و واقع‌بینانه از خشونت علیه زنان ارائه داد.

برای مقابله با خشونت علیه زنان، به مانند سایر آسیب‌های جدی اجتماعی، لازم است که ریشه‌های اقتصادی، ساختارهای سیاسی و البته جهت‌گیری حقوقی-آموزشی مسئله بررسی و در صورت لزوم به طور بنیادین تغییر یابد. امری که به نظر می‌رسد بدون تحولات سیاسی معنادار در ایران و پی‌ریزی یک نظام آموزش-حقوقی سکولار و حمایت‌گر ممکن نخواهد بود.

۲. ماده ۳۹ لایحه: «هرگاه مردی با علم به این که زنی در علقه زوجیت دیگری است با وعده ازدواج به وی پیشنهاد طلاق دهد، به حبس درجه هشت و چنان چه منتهی به طلاق گردد، به حبس درجه هفت محکوم می‌شود.»

«لایحه میانیت، کرامت و تأمین

امنیت بانوان در مقابل خشونت»



نیره انصاری

لایحه «تأمین امنیت زنان در برابر خشونت» که بعدها به «صیانت، کرامت و تأمین امنیت بانوان در مقابل خشونت» تغییر نام داد، پس از حدود ۷ سال در هیأت دولت تصویب شد.

لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت در دولت احمدی نژاد تهیه و به مجلس ارائه شد. مجلس اما به دلیل اشکالاتی آن را مسکوت گذاشت و در نخستین دولت حسن روحانی، مورد بررسی دوباره قرار گرفت. به دلیل قضایی بودن و داشتن بخش مجازات‌ها، از دولت به قوه قضاییه ارسال شد و بعد از حدود شش ماه بررسی در این قوه، سرانجام به دفتر رئیس قوه قضاییه کنونی تقدیم شد. این لایحه مدت یک سال معطل و منتظر اظهار نظر رئیس قوه قضائیه ماند!

این لایحه همواره با مخالفت برخی اصول‌گرایان و تندروها مواجه بوده است. از جمله معروفترین این مخالفت‌ها از سوی یک زن بود: زهرا آیت‌اللهی، رییس شورای فرهنگی اجتماعی زنان. وی گفته بود که این لایحه زنان را در خانواده در جایگاهی فرادست و مردان را در جایگاه فرودست قرار می‌دهد و جایگاه ریاستی مرد را خدشه‌دار می‌کند.

او با انتقاد از جرم‌انگاری "هرگونه عمل مردان" در مقابل زنان در این لایحه گفته بود: «مردان را به وحشت می‌اندازد که مبادا هرفتار و اقدام آنها مصداقی از مصادیق خشونت علیه زنان

تلقی شود و در نهایت خانه را به معرکه‌ای تبدیل می‌کند برای فرار زنان از مسئولیت‌هایشان و خارج کردن مردان از جایگاه اصلی‌شان که مدیریت خانواده است.» رئیس شورای فرهنگی اجتماعی زنان لایحه "تأمین امنیت زنان در برابر خشونت" را اطاعت از سند ۲۰۳۰ خوانده و هشدار داده که دفاع زیادی از زنان، جایگاه ریاستی مردان را تنزل می‌دهد و زن‌ها را ایرادی و نازپرورده می‌کند.

لایحه تأمین امنیت زنان با هدف تحکیم بنیان خانواده، تأمین امنیت و کرامت زنان، پیشگیری از جرایم خشونت‌آمیز و حمایت از زنان خشونت‌دیده تهیه و ابتدا در ۹۲ ماده تنظیم شد که بعد به ۸۱ ماده و در نهایت با ۷۷ ماده رسید.

افزون بر این بخش سوره نساء، آیه ۳۴ در قرآن در باب تعامل اجتماعی میان شوهران و زنان، با تفسیری که در معرض مناقشه بین علما (یا فقیهان) مسلمان قرار دارد رابطه میان شوهر و زن را در اسلام تعریف می‌کند:

مردان، سرپرست زنانند، به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و [نیز] به دلیل آنکه از اموالشان خرج می‌کنند. پس، زنانِ درستکار، فرمانبردارند [و] به پاس آنچه خدا [برای آنان] حفظ کرده، اسرار [شوهرانِ خود] را حفظ می‌کنند؛ و زنانی را که از نافرمانی آنان بیم دارید [نخست] پندشان دهید و [بعد] در خوابگاه‌ها از ایشان دوری کنید و [اگر تأثیر نکرده] آنان را بزنید.

درخواست تجهیزیه از سوی مرد و اِعمال خشونت به منظور دریافت آن را در جرگه اقدامات مجرمانه محسوب کرده‌اند.

کشور مسلمان مالزی نخستین جامعه‌ای بود که ماده واحده ای را تصویب و به مرحله اجراء گذاشت که به موجب آن خشونت‌های خانگی به عنوان جرم شناخته شد.

تلاش برای تصویب (قانون کنترل خشونت)، از سال (۱۹۸۲) آغاز شد، یعنی از زمانی که سازمان کمک به زنان مالزی نخستین پناهگاه ویژه زنان مورد ضرب و شتم قرار گرفته را تأسیس کرد.

در الجزیره همیشه مسئولیت نگهداری دختران تا سن ازدواج و پسران تا سن (۱۰) سالگی بر عهده زنان/مادران است، اما پدران به ندرت حاضر به نگهداری پسران پس از (۱۰) سالگی می‌شوند. در حقیقت اگر چه زن است که از کودکان تا سن ازدواج و یا حتا پس از آن نگهداری می‌کند اما به موجب قانون سال (۱۹۸۴) خانه‌ی خانوادگی به مرد واگذار می‌شود و بیشتر مادران ناگزیرند به پناهگاه‌های زنان پناه ببرند و یا به همراه کودکانشان زندگی در خیابان را همراه با فرزندانشان در خیابان سپری کنند.

اما در کشور مراکش که یکی دیگر از کشورهای اسلامی است ازدواج با اجازه قیم در سال (۲۰۰۶) منسوخ شد.

در بسیاری از دیگر کشورهای اروپایی از جمله سوئد، نروژ، آلمان و فرانسه چارچوب حقوقی به منظور پی‌گیری خشونت جسمی و یا جنسی، مورد بررسی و مذاقه نظر قرار گرفته و مسئولیت های عاملان خشونت و منافع قربانیان خشونت روشن گردیده است.

در کشور سوئد بر اساس قانون، کتک زدن یا تهدید زنان حتا اگر در داخل خانه انجام گیرد جرم محسوب می‌شود. اجبار به همخوابگی، تجاوز به عنف و جرم محسوب شده و مستوجب مجازات است، که این امر در خصوص همسران نیز صادق است.

سازمان عفو بین الملل اخیراً با اشاره به خشونت خانگی علیه زنان در جوامع سنتی جهان گفت در کشوری مانند افغانستان که سنتهای زندگی فئودالی بسیار ریشه‌دار است، به زن به چشم دارایی نگاه می‌کنند و تجاوز به حقوق آنان بدون مجازات می‌ماند. بنا به گفته سازمان عفو بین الملل، تعدد زوجات نیز می‌تواند به خشونت خانگی دامن زند، زیرا بر خلاف دستورات اسلامی، مردها به طور عموم برای ازدواج

حال آنکه «اعلامیه حذف خشونت علیه زنان، مصوبه مجمع عمومی و قطعنامه ۱۰۴/۴۸ مربوط به ۲۰ دسامبر ۱۹۹۳ در تعریف خشونت می‌گوید: «به معنی هرگونه اِعمال خشونت بر اساس جنس که به آسیب یا رنجاندن جسمی، جنسی و یا روانی زنان منجر شود و یا احتمال می‌رود که منجر شود از جمله تهدیدات یا اعمال مشابه «اجبار یا محروم کردن مستبدانه زنان از آزادی که در منظر عموم و یا در خلوت زندگی خصوصی انجام شود».

قطعنامه پیشگیری از جنایت و گام های عدالت خواهانه برای حذف خشونت علیه زنان»، و نیز «اعلامیه جهانی حقوق بشر» و «میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی»، «میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی»، «کنوانسیون حذف همه اشکال تبعیضی علیه زنان» و «کنوانسیون ضد شکنجه و رفتار یا مجازات خشن، غیر انسانی یا تحقیر کننده» و «کنوانسیون....» همه سخن از ممنوعیت خشونت علیه زنان دارد.

بان کی مون همچنین بر لزوم پایان بخشیدن به «جنایت‌های توجیه‌ناپذیر علیه زنان»، از جمله استفاده از تجاوز به عنف به عنوان نوعی سلاح جنگی، خشونت داخلی، قاچاق جنسی و جنایات ناموسی تأکید کرد. گفتنی است که طرحی با عنوان «اتحاد برای پایان خشونت علیه زنان» از سال (۲۰۰۸) با همکاری بان کی مون آغاز شده است.

در این طرح از کشورهای جهان خواسته بود که تا سال (۲۰۱۵) برای کاهش و توقف خشونت جنسی در شرایط ناآرام، قوانین شدید وضع کنند و با اجرای طرح‌های عملی چند جانبه و تلاش‌های نظام‌مند، اقدامات پیشگیرانه انجام دهند.

کارشناسان می‌گویند که خشونت علیه زنان در ایران با قوانین و سیاست‌گذاری‌های تبعیض‌آمیز موجود تشدید می‌شود و تلاش فعالان حقوق زنان را برای رفع این خشونت‌ها ناکام می‌گذارد.

تجربه‌هایی دیگر

در حالی که هنوز در ایران قانوناً ضرب و جرح و شتم (ناسزاگویی) زن توسط شوهر، دلیل محکمه‌پسندی برای صدور حکم طلاق محسوب نمی‌شود، در کشور هندوستان یا بنگلادش ضرب و جرح و شتم خانگی به عنوان جرم، قانون‌مند شده است. در این دو کشور قوانین فراتر از این رفته،

مجدد، اجازه همسر اول را جویا نمی‌شوند و مشاجره در این باره در خیلی از مواقع به خشونت منتهی می‌شود. تعدد زوجات و یا چند همسری اکنون در کشور عراق به یک موضوع سیاسی تبدیل شده است. در ایران نیز در کنار دیگر مسایل مربوط به حقوق زن، افزایش آمار چند همسری مردان موجب گردیده است تا زنان به ویژه در گروه‌های سنی بالاتر، بیش از گذشته نسبت به حقوق خود دغدغه داشته و برای حفظ آن اقدام‌های حقوقی نمایند.

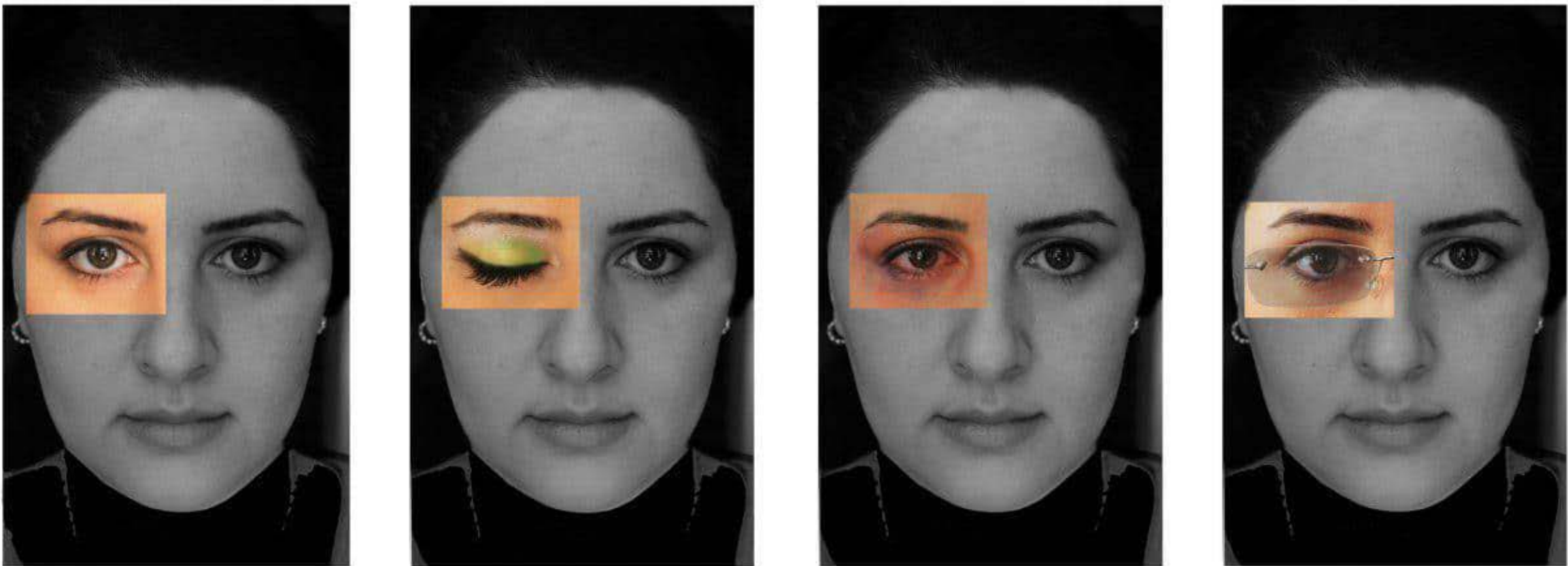
تحصیل و اشتغال زن، داشتن رضایت‌نامه کتبی از شوهر مبنی بر خروج و سفر زن به خارج از کشور و یا جلوگیری از خروج زن از کشور توسط شوهر و بسیاری خشونت‌های دیگر را مجاز و قانونی کرده است. احکام تازیانه، سنگسار در قانون مجازات اسلامی خود بیانگر رفتار خشونت‌بار با زنان است. مشروط شدن حاکمیت پدر در نهایت موجب بازتولید شکلی دیگر از پدرسالاری شد که به حیث ماهیت یکی، اما در شکل بروز آن متفاوت است که آن را می‌توان، تفکیک کرد

که البته به ایرادات و نواقص آن می‌پردازیم.

بررسی لایحه صیانت از بانوان

از جمله مسائل اصلی و قابل توجه این لایحه آن است که شاید بیشتر برای زنانی با سطح اطلاعات بالا و آگاه از قوانین و حقوق خود نوشته شده است؛ و پرسش این است که چگونه می‌تواند از حقوق زنان روستایی و یا کسانی که از حقوق اولیه خود محرومند حمایت کند؟ آیا نباید این لایحه جامع و برای

است، حال آنکه در قوانین موجود در کشور پیش‌تر به این موارد پرداخته شده بود. و اساساً پرسش این است که هدف اصلی از این لایحه چیست؟ آسیب‌ها و مشکلات اصلی کجا هستند و چرا قوانین تاکنون نتوانسته اند مانعی برای رفع این ظلم‌ها شوند؟ البته قوانین خود نباید عامل ایجاد مشکل در سایر بخش‌ها باشد و در واقع اگر زن را انسانی دارای نقش‌های گوناگون در



به ایران بازگردیم. «ارزش‌های سنتی» در ایران، در وحدت خود با بنیادگرایی مذهبی به خشونت جسمی و روانی علیه زنان مشروعیت می‌بخشد و زنان را از حقوق سیاسی و اجتماعی خود محروم می‌کنند. قوانین تبعیض‌آمیز علیه زنان در ایران که در بسیاری از موارد موجب تشدید خشونت علیه آنان می‌شود، کشتن و به قتل رساندن زن به دلیل داشتن ارتباط با مرد دیگر، اجبار زن به برقراری جنسی با شوهر، کتک زدن زن توسط شوهر، محدود کردن رفت و آمدهای زن، ایجاد ممانعت و جلوگیری از ادامه

زیرا که مطلق گرایی برای حفظ خود ناچار بود به بیش از یک فرد (همان پدر) تکیه کند. اینجا جریانی ظهور کرد که به جای یک پدر، پدرهای تکثریافته‌ی ایدیئولوژیک حاکم شدند و از همینجا بنیادگرایی آغاز شد. اگر در جریان انقلاب مشروطه، این سلطنت بود که به وسیله‌ی قانون محدود می‌شد، پس از بهمن ۵۷ این قانون است که به وسیله‌ی شریعت محدود می‌شود. مشکلات ناشی از تعارض حقوق زنان با مبانی فقهی رایج در جمهوری اسلامی سبب شده که لایحه مورد نظر مصوب گردد

تمام زنان کشور نوشته شده باشد؟

از دیگر ایرادات عدم وجود تعریف دقیق و شفاف عباراتی نظیر توهین، تحقیر، خروج از عدالت و... است؛ که تشخیص وقوع جرم و ظلم به زن را دچار اشکال می‌نماید. همچنین در فصل سوم این لایحه که به وظایف نهادها اشاره شده است نبودن توضیح دقیق و شفاف‌سازی‌ها، امکان برداشت‌های متفاوت و رد مسئولیت‌ها را فراهم می‌کند. در بخشی از فصل چهارم به جرائم و مجازات‌ها اشاره کرده

جامعه و خانواده بدانیم این قوانین باید جامع باشند که صرف برطرف کردن ظلم در یک نهاد منجر به برهم زدن آرامش سایر بخش‌ها نشود. ساختار غیر اجرایی تعریف شده نیز در این لایحه مورد ایراد است. حضور افراد متعدد و با اولویت‌های جدا از هم اعم از معاونین وزرا، نمایندگان مجلس و... خود تشکیل و به سرانجام رسیدن این لایحه را در هاله‌ای از ابهام قرار می‌دهد و می‌توان اینطور گفت که بدون وجود تضمینی برای کارآمدی یک تشکیلات این قوانین تبدیل به نوشته‌هایی بر روی کاغذ

می‌شوند درحالی که کاربرد هر قانون به «اجرایی» بودن آن است.

اگر در ماده‌های این لایحه دقیق شویم به مواردی می‌توان اشاره کرد که توجه و یا تغییر آنان می‌تواند ما را به عدالت و کارآمدی بیشتر در این حوزه نزدیک کند.

برای نمونه در ماده ۵۶، به بخش‌های خصوصی مانند تولیدی‌ها و یا شغل‌هایی که خادمین به طور دائم در منزل مخدوم زندگی می‌کنند اشاره‌ای نشده است و امکان حمایت از آنان وجود ندارد.

ماده ۶۹ به بانوانی اشاره دارد که دارای محکومیت‌های مالی هستند و قانون آنان را در اولویت رسیدگی و حمایت جهت پرداخت مالی از سوی خیرین قرار داده است. اما نکته آنجاست که صرف زن بودن نباید موجب شود که قانون از عدالت خویش فاصله گیرد؛ در چنین پرونده‌هایی ممکن است مواردی وجود داشته باشد که جدا از جنسیت شرایط بحرانی‌تری دارند و نیازمند بررسی و کمک‌ها هستند.

در بند ۱۸ ماده ۴، به حضور سه نماینده از مدافعین زن در جلسات کمیته اشاره شده است، اما توضیح لازم برای صدور مجوز حضور آن‌ها داده نشده است. اهمیت حضور این سه مدافع در آنجا مشخص می‌شود که آنان دارای حق رای در این جلسات هستند در حالی که نماینده مجلس در این جلسات این حق رای را ندارد!

ایراد دیگر موارد مثبتی است که در لایحه‌های پیشین به آن‌ها پرداخته شده (صرف نظر از راه حل پیشنهادی آن لوابح)، اما در آخرین نسخه‌ی آن حذف شده است؛ از جمله جرایم ناموسی و آزارها از طرف محارم که حمایتی برای این افراد در قانون به صورت خاص تدوین نشده است و دیگر شاهد وظایفی که برای دستگاه‌های مربوطه در جهت بازپروری و برگرداندن زنان آسیب دیده و بزه‌کار به جامعه تعیین شده بود نیستیم.

وجود قوانین و مجازات مادی به‌تنهایی نمی‌توانند مشکلات عاطفی و ضررهای معنوی را جبران کنند! این لایحه باید به تکالیف متقابل زن و مرد توجه باشد و خود عاملی برای بروز اختلافات نباشد.

قانون باید ضمن حمایت از انسانی که مورد ظلم قرار می‌گیرد عدالت را نیز رعایت کند. در مورد حقی که در قبال تحقیر زنان از سوی شریک زندگی و یا دیگران به او داده شده است، چرا

این مورد در یک رابطه یک طرفه در نظر گرفته شده؟ آیا موردی دقیقاً خلاف آن نمی‌تواند اتفاق بیفتد؟

فراتر از این قوانین نباید کلی، مبهم و به دور از واقعیت زندگی شود که قابل استفاده نباشند. برای نمونه در فضای خانواده و زن و مرد چه ادله‌ای وجود دارد؟ و مرجع تشخیص جرم و ظلم به زن چیست و چگونه اثبات میشود؟ ابتدا فهم درست خشونت در کشور ما باید رخ دهد زیرا با آنکه حجم بالای قوانین در این حوزه داریم، اما کارآمدی لازم را ندارند و ضعف فرهنگ‌سازی بیش از گذشته در این روزها خودنمایی می‌کند.

اگر این لایحه بدون هیچ تغییری و یا با تغییرات جزئی و بدون پرداختن به مشکلات اساسی و

نظرات کارشناسی اجرایی شود نمی‌تواند نقش و رسالت خود را به درستی ایفا کند و بار دیگر شاهد آن خواهیم بود که زن و مسائل زنان صرف عنوانی تزئینی و عامل بازیچه در دست سیاست‌زدگان می‌شود.

به موجب این قانون هم برای افراد اسیدپاش، تشدید مجازات در نظر گرفته شده و هم قربانیان اسیدپاشی تحت پوشش بیمه تامین اجتماعی و درمان قرار می‌گیرند.

نماینده تهران در مجلس می‌گوید: قرار شد که مسئولان کمیسیون بهداشت، قربانیان اسیدپاشی را در بیمارستان‌هایی که ویژه انجام عمل‌های زیبایی و سوختگی هستند، تحت مداوا قرار دهند.

تیر ماه ۹۹ نشست با عنوان «هم‌اندیشی صاحب‌نظران و نخبگان حوزه حقوق زنان» با حضور ابراهیم رئیسی، رئیس قوه قضاییه برگزار و درباره لایحه تامین امنیت زنان بحث و تبادل نظر شد. مشاور حقوقی و پارلمانی معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری نیز یکی از حاضران آن جلسه بود. او گفت: این لایحه به دلایلی از جمله «سیاسی بودن» و «داشتن نواقص» مدت زیادی در قوه قضاییه ماند، اما این لایحه مطلقاً سیاسی نیست. همچنین ۱۸ قاضی اصولگرا در زمان بررسی لایحه تامین امنیت زنان کار کردند.

وی خواسته بود پیش از تایید لایحه توسط رئیس این قوه، ایشان یک مشاور زن قرار بدهند تا اطلاع کامل از مسائل زنان داشته باشد.

غیر از معاونت حقوقی و معاونت زنان دولت و دستگاه قضایی، حوزه علیمه قم به ویژه دفاتر

جنسی» و به تبع آن «خشونت جنسی» مورد شناسایی قرار نداده و به جای آن از مفاهیمی جایگزین مانند «روابط نامشروع و اعمال منافی عفت و اخلاق» برای جرم‌انگاری اعمال جنسی استفاده کرده است. مفاهیمی که اساساً با مفهوم «آزار و اذیت جنسی» به عنوان نوعی از فعل مجرمانه علیه تمامیت جسمانی افراد تفاوت‌های بنیادی دارد.

این رویکرد به جرایم جنسی حتی در مورد جرم «تجاوز به عنف» نیز در قانون مجازات اسلامی وجود دارد: آنجا که قانونگذار به جای استفاده از واژه تجاوز از مفهومی به نام «زنا به عنف» استفاده کرده است (ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی). فعلی مجرمانه که با توجه به تعریف ماده ۲۲۱ قانون مجازات از آن تنها در صورت عدم وجود «علقه زوجیت» و در واقع حرمت شرعی رابطه جنسی خارج از ازدواج مورد جرم‌انگاری قرار گرفته است. نتیجه آنکه طریق اثبات زنا به عنف (همان تجاوز جنسی) نیز همانند اثبات زنا عملاً بسیار مشکل است. تدوین‌کنندگان نسخه نخستین لایحه تامین امنیت

زنان در برابر خشونت، احتمالاً با آگاهی از این نقص قوانین کیفری در ایران، با گنجاندن مفهومی به نام خشونت جنسی در متن لایحه و اشاره مستقیم به عدم وجود رضایت زن در افعال مجرمانه «تجاوز جنسی، تعرض جنسی، آزار جنسی و مزاحمت جنسیتی» سعی در جبران این خلاء گسترده قانونی داشته‌اند.

کوششی که با حذف کامل مفهوم خشونت جنسی از سوی دستگاه قضایی و ادامه رویکرد قانون مجازات در به کار نبردن واژه‌های «تجاوز، تعرض و آزار جنسی» و جایگزینی آن با «جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی» در لایحه تازه نقش بر آب شده است. به ویژه اینکه در این لایحه برخلاف متن اولیه آن هیچ سخنی از وجود یا عدم وجود رضایت زن در میان نبوده و صرفاً اعمالی به عنوان اعمال جنسی مجرمانه علیه زنان جرم‌انگاری شده‌اند که شرعاً نامشروع باشند. نتیجه آنکه همچنان این احکام اسلامی است که باید حفاظت شوند؛ نه تمامیت جسمانی زنان.

دستگاه قضایی در لایحه تازه تامین امنیت، در اقدام عجیب دیگری مخالفت با حجاب اجباری و ترویج و تشویق حجاب اختیاری و طرفداری از آزادی زنان در انتخاب پوشش را در زمره جرایم خشونت آمیز علیه زنان قرار داده و در دو ماده جداگانه آن را جرم‌انگاری کرده است.

مراجع تقلید دیگر مقصدی بود که این لایحه بارها برای بازبینی و بررسی به آنجا فرستاده شده بود.

از این رو جای شگفتی نیست که لایحه جدید با توجه به انتقادات پیشین مسوولان و مقامات دستگاه قضایی از نسخه ارسالی آن از سوی دولت در سال ۹۳، و اصرار بر گرفتن موافقت مراجع قم با مفاد لایحه با تغییراتی بنیادی ارائه شده و اهداف آن به کلی دچار تغییرات شده باشد. شدت این تغییرات به میزانی است که اساساً مبارزه با خشونت خانگی علیه زنان، که یکی از اهداف اصلی تدوین این لایحه بود حذف شده و به جای آن آنچه که «حفظ کرامت زن و خانواده با لحاظ ادبیات حقوق اسلامی» خوانده شده مورد تأکید قرار گرفته است. به هر روی تبدیل ادبیات لایحه به «ادبیات حقوق اسلامی» تنها جزئی از تغییراتی است که در لایحه جدید صورت پذیرفته است. تغییراتی که به نظر می‌رسد هدف از آنها جدای از تأکید بر تفسیر سنتی - دینی از نقش زن در جامعه، به جرم‌انگاری تلاش

زنان برای دستیابی به آزادی و برابری نیز پرداخته است.

در حالی که «پیشگیری از خشونت علیه زنان» در نسخه پیشین این لایحه به عنوان یکی از اهداف آن اعلام شده بود، گردآورندگان لایحه «صیانت، کرامت و تامین امنیت بانوان در برابر خشونت» در اقدامی عجیب در نسخه تازه این لایحه با افزودن پیشوند مجرمانه به فعل خشونت‌آمیز صرفاً «پیشگیری از جرایم خشونت‌آمیز علیه زنان» را به عنوان یکی از اهداف به رسمیت شناخته‌اند.

نتیجه عملی افزودن این پیشوند آن که در مقام عمل تنها خشونت‌هایی که از سوی قوانین موضوعه جرم‌انگاری شده‌اند نامشروع و ممنوع بوده و اعمال دیگر، هرچقدر هم خشونت‌آمیز و آسیب‌زا، در صورت عدم جرم‌انگاری به نظر مجاز شمرده می‌شوند!

این عدم اشاره مستقیم به واژه و مفهوم «خشونت» از سوی تهیه‌کنندگان لایحه جدید در حالی است که اساساً، هدف از تدوین این لایحه به رسمیت شناختن «خشونت خانگی» به عنوان نوعی از جرایم «جنسیتی» علیه زنان بوده است، حال آنکه در این لایحه این مفهوم حتی به طور تلویحی نیز مورد اشاره قرار نگرفته است.

قانونگذار به تبعیت از قوانین کیفری فقه شیعه، اساساً در هیچ یک از قوانین جاری در ایران، را با عنوان «عمل مجرمانه



کلیپ «خنده دار» کتک خوردن مرد

از زن غیرتی



بهروز جاوید تهرانی

از درصد زنان و مردانی که قربانی خشونت خانگی می‌شوند وجود ندارد و برای بررسی فراگیری خشونت علیه مردان مجبوریم نگاهی به آمار سایر کشورهای جهان داشته باشیم. با وجود این سکوت و عدم گزارش ناشی از شرمی که جامعه به مردان تحمیل می‌کند، داده‌های بولتن‌های آماری وزارت امور داخله بریتانیا و نظرسنجی جرایم انگلیس نشان می‌دهند که حدود ۴۰٪ مردان در این کشور هر ساله قربانی خشونت خانگی می‌شوند.^۱ در استرالیا هم از هر سه قربانی خشونت خانگی یک نفر مرد است و در این رابطه کمپینی به نام یک از سه (in One Three) تشکیل شده است.^۲ همچنین در کشور سوئد، تعداد مردان و زنانی که قربانی خشونت خانگی می‌شوند برابر عنوان شده است.^۳ اما آیا در این کشورها برخورد پلیس و سازمان‌ها حمایتی از زنان و مردان قربانی خشونت خانگی یکسان است؟ مطالعه‌ای که توسط «کمپین حقوق برابر» انجام شده نشان می‌دهد مردانی که مورد خشونت توسط شرکای جنسی خود قرار گرفته‌اند زمانی که این بدرفتاری را به پلیس گزارش داده‌اند توسط پلیس نادیده گرفته شده‌اند. این موسسه خیریه می‌گوید: «خشونت خانگی اغلب بر علیه زنان تصور می‌شود و

حتما شما هم در فضای مجازی به کلیپ‌های طنزی برخورد کرده‌اید که محتوی آنها کتک خوردن یک مرد از همسر یا دوست دخترش باشد. زنی شوهر یا دوست پسرش را کتک می‌زند و همه می‌زنند زیر خنده. این فیلم‌ها پدیده جدیدی نیستند که منحصر به عصر اینترنت باشند. از زمان فیلم‌های صامت خشونت خانگی علیه مردان دستمایه طنز برای فیلم‌سازان و خنده تماشاگران بوده است.

این موضوع که باید در بخش معضلات فرهنگی طبقه‌بندی شود، منحصر به یک نقطه جغرافیایی نیست و جزء معدود موارد فرهنگی مشترک بین تمام ملل جهان به حساب می‌رود. خندیدن و تمسخر خشونت خانگی علیه مردان را می‌توان ناشی از عدم همدردی جامعه با مردان یا روحیه‌ی مردستیزی جمعی ارزیابی کرد. هرچه هست، تا زمانی که این اختلال جمعی درمان نشود، نمی‌توان به رویای خانه امن دست پیدا کرد. زیرا خشونت، خشونت را بازتولید می‌کند و دیگر اعضای خانواده یعنی زنان و کودکان نیز لاجرم در این چرخه گرفتار می‌شوند.

از سوی دیگر، این معضل نگاه طنز به مردان خشونت دیده سبب می‌شود تا مردان از بازگو کردن یا اشاره به آن احساس سرافکندگی و شرمساری کرده و سال‌های طولانی رنج آن را تحمل کنند. در ایران مانند بسیاری چیزهای دیگر آمار دقیقی

معمولان مردان را مرتکب آن قلمداد می‌کنند، اما شواهد نشان می‌دهد که این تصور نادرست است.^۱ ۶ شوهرکشی وجود دارد که همه آن به مسئله خیانت بازمی‌گردد.^۲ از سوی دیگر در ایران مردان زیادی هستند که به دست خانواده دوست دختر خود و با دلایل ناموسی به قتل می‌رسند. پس گزافه نیست اگر بگوییم، اکثریت قربانیان قتل‌های ناموسی در ایران را مردان تشکیل می‌دهند. با این همه ما شاهد هیچ نوع واکنش درخوری در رسانه‌ها برای اطلاع رسانی در خصوص قتل ناموسی که مردان قربانی آن باشند، نیستیم.

انواع خشونت

یکی از معضلات در راه مبارزه با خشونت خانگی علیه مردان این است که به دلیل فقدان اطلاع رسانی و نبود آگاهی، مردان خشونت دیده حتی بعضاً ماهیت آنچه بر آنها رفته را خشونت خانگی قلمداد نمی‌کنند. وقتی واژه خشونت علیه مردان را می‌شنویم در ذهنمان صورت کبود و بدن زخمی را تصور می‌کنیم. هرچند این تصویر واقعی از بسیار از مردان قرار می‌گیرد.

قتل‌های ناموسی

بسیاری بر این باورند که قتل ناموسی همیشه از سوی یک مرد علیه یک زن اتفاق می‌افتد و مردان هیچ‌گاه قربانی قتل‌های ناموسی نمی‌شوند. در صورتی که طبق اظهارات یک قاضی دادگستری به نام دکتر ابراهیم اسلامی که در پنجمین کنگره ملی روانشناسی سخنرانی می‌کرد، «از هر ۱۰ پرونده

1. <https://www.theguardian.com/society/2010/sep/05/men-victims-domestic-violence>

2. <https://www.isna.ir/news/97120100424/D%81%9D%8B%6D%8A%7DB8%C%-D%85%9D%8AC%D%8A%7D%8B%2DB8%C%-D%88%9D%8AE%DB8%C%D%8A%7D%86%9D%8AA-%D%8B%9D%8A%7D%85%9D%-84%9DB%B%6DB-%B%-OD%8AF%D%8B%1D%8B%5D%8AF-%D%8B%7D%84%9D%8A%7D%-82%9D%87%9D%8A7>

1. <https://www.theguardian.com/society/2010/sep/05/men-victims-domestic-violence>
2. <http://www.oneinthree.com.au/>
3. <https://sverigesradio.se/sida/artikel.aspx?programid%2493=artikel5858292>



قربانی خشونت خانگی است، ولی دایره این معضل تنها به خشونت فیزیکی محدود نمی‌شود. دسته دوم خشونت علیه مردان، خشونت روانی است که هرگونه تحقیر، تهدید، توهین، حسادت، بدبینی، محدودیت در رفت و آمد با فامیل و دوستان، محدودیت در پرداختن به علاقمندی‌های شخصی و نقض حریم شخصی مانند چک کردن گوشی موبایل را شامل می‌شود. مهریه‌های سنگین که متاسفانه به نوعی فرهنگ در جامعه ما تبدیل شده خود به عاملی برای تهدید و مانعی برای عدم خروج از رابطه و حتی گزارش نکردن خشونت خانگی بدل می‌شوند و اگر قبول داشته باشیم که تهدید زوج یا زوجه نوعی خشونت خانگی است، تهدید دایمی شوهر به خاطر اجرا گذاشتن مهریه سنگین نیز در دایره خشونت خانگی قرار می‌گیرد.

دسته سوم از خشونت‌هایی که مردان غالباً به آن روبرو می‌شوند خشونت‌های محرومیتی است. هرنوع گرفتن استقلال مالی، کنترل شدید بده‌بستان‌های مالی، گرفتن پول یا کارت‌های بانکی، مصادره اموال و طرد، همانگونه که اگر از سوی مرد علیه زن اعمال شود خشونت خانگی محسوب می‌شوند، اگر از سوی زن بر مرد اعمال شوند نیز خشونت خانگی هستند. خشونت جنسی که دسته دیگری از انواع خشونت خانگی علیه مردان است، با چالش‌های حقوقی فراوانی روبرو است. در اکثر فرهنگ‌ها و قوانین جهان اگر مردی بدون رضایت زنی نزدیکی جنسی همراه با دخول انجام دهد، اینکار تجاوز محسوب می‌شود، اما اگر زنی مردی را بدون رضایت او مجبور کند تا با او سکس همراه با دخول انجام دهد اینکار

تجاوز نیست. این تعبیر بدوی و دخول محور از تجاوز یکی از مهمترین چالش‌های فرهنگی و قانونی است که مبارزه با خشونت خانگی بر سر راه خود دارد. تعریف جدید و مدرن تجاوز هر نوع رابطه جنسی بدون رضایت است. خوشبختانه در بسیاری از ایالت‌های آمریکا تجاوز را رابطه جنسی بدون رضایت تعریف کرده‌اند و در ایالت ویکتوریا در استرالیا جرم مشخصی به نام «تجاوز با دخول اجباری» وجود دارد. در پژوهشی که در سال ۲۰۱۰ در ایالات متحده آمریکا انجام شد از هر ۲۱ مرد یک نفر در دوران زندگی خود مجبور به دخول اجباری شده که در ۷۹ درصد موارد طرف مقابل، زن بوده است.^۱

محققان دانشگاه لنکستر انگلستان در پژوهشی که سال ۲۰۱۷ صورت گرفت تحقیقی درخصوص ۱۵۴ مرد که مورد تجاوز زنان قرار گرفته بودند انجام دادند.^۲ در این تحقیق روش‌های تجاوز به مردان باجگیری، تهدید، تهدید به قطع ارتباط، تهدید به پخش شایعات کذب، توهین و تحقیر لفظی، استفاده از وزن بدن و حتی استفاده از اسلحه عنوان شده است.

خشونت خانگی از سوی هر طرفی که اعمال شود، و با هر انگیزه و روشی که باشد، باز تولید خشونت می‌کند. متاسفانه روند سال‌های گذشته نهادهای حقوق بشری و رسانه‌ها تنها تمرکز بر روی خشونت خانگی علیه زنان بوده است. اما امروز بسیاری از فعالان اجتماعی که در این زمینه کار می‌کنند به این باور رسیده‌اند که برای مقابله موثرتر با معضل خشونت خانگی و جنسی باید از آن جنسیت‌زدایی کرد.

1. <https://www.bbc.com/persian/science40757060->
2. <https://www.bbc.com/persian/science40757060->

حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر
ایران/ محمود امیری مقدم
سردبیر این شماره: مریم غفوری
تماس با مجله: mail@iranhr.net